

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۲۱

جمعه ۱ اردیبهشت ۱۴۰۲، ۲۱ آپریل ۲۰۲۳

پرونده شلیک به هواپیمای اوکراینی باز است



کاظم نیکخواه

روز ۲۷ فروردین جمهوری اسلامی نمایشی را بنام "دادگاه" محاکمه شلیک‌کنندگان به هواپیمای مسافربری تشکیل داد و شماری را به چند سال حبس محکوم نمود. مرکز رسانه قوه قضائیه می‌گوید که در این دادگاه، ۱۰ نفر که همگی از نیروهای مسلح هستند به‌عنوان متهم محاکمه شده‌اند و متهم ردیف اول به ۱۷ سال زندان که ۱۰ سال آن اجرایی است محکوم شده و بقیه از یک تا سه سال محکوم شده‌اند. اتهام آنها "قتل شبه‌عمد" اعلام شده است.

کل ماجرا بآلبالما سکه‌ای مسخره و رسواست که از نظر حقوقی سر سوزنی ارزش ندارد. نفس تشکیل چنین دادگاهی آن‌هم بعد از سه سال که انکار کردند و مقاومت کردند و معترضین به این جنایت را دستگیر نمودند و هزار تلاش و تقلائی دیگر برای لاپوشانی جنایت کردند، گویای وضعیت نزاری است که حکومت اسلامی در آن گرفتار شده است. شماری افراد را بدون نام و نشان محاکمه کرده‌اند و تلاش دارند با این نمایش پرونده بسته شود. حتی تصور اینکه این دادگاه نمایشی مسخره باعث شود پرونده جنایتی به این حد فجیع و ضدانسانی و باورنکردنی بسته شود، فقط می‌تواند ناشی از بلاهت سران حکومت باشد. کاری که این دادگاه حکومتی کرد یا قرار بود انجام دهد این بود که متهمین اصلی یعنی سلامی و شمخانی و خامنه‌ای و کلاً سپاه پاسداران را از جایگاه متهم به جایگاه قاضی منتقل نمود.

مردم خواهان انتقام و اعدام نیستند اما می‌گویند به فرض که قبول کنیم که عاملین این جنایت واقعاً همین بی‌نام و نشان‌ها بوده‌اند. این چه دادگاهی است که برای معترضین به اتهام آتش‌زدن سطل زباله حکم اعدام صادر می‌کند و اجرا می‌شود، اما برای جنایت فجیعی مثل شلیک به هواپیمای مسافربری و به‌قتل‌رساندن ۱۷۷ سرنشین آن، احکام چند سال زندان صادر می‌نماید؟ تازه وقتی که همه چیز پشت پرده انجام می‌گیرد، از کجا معلوم که در مورد کسی حکمی اجرا می‌شود؟

با وجود همه این سؤالات و ابهامات باید گفت که این دادگاه

ادامه در صفحه ۲

عروج جنبش زنان و گسترش ابعاد بی‌حجابی

میلاذ رابعی

صفحه ۳

پیروزی انقلاب و نقش جنبش‌های سیاسی

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در تلویزیون کانال جدید

صفحه ۴

موقعیت انقلاب در ایران در سال ۱۴۰۲

اصغر کریمی

صفحه ۸

تحولات اوضاع سیاسی و تعمیق بیشتر انقلاب

شهلا دانشفر

صفحه ۱۱

اطلاعیه‌های حزب در هفته اخیر

صفحه ۱۴

ما به حمایت شما متکی هستیم!

کمپین یک‌ماهه جمع‌آوری صدهزار دلار کمک مالی

صفحه ۱۸

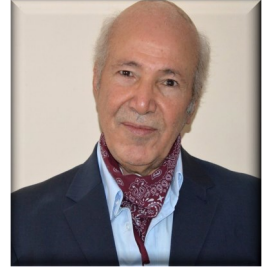
اطلاعات پرداخت کمک‌های مالی به تلویزیون کانال جدید

صفحه ۱۹

لیست کمک مالی به حزب

صفحه ۲۰

پرونده شلیک به هوایمای اوکراینی باز است ادامه از صفحه ۱



کذایی مهم است. مهم است چون که آشکارا فشار خردکننده جنبش دادخواهی بر گرده حکومت اسلامی و دست‌اندرکارانش را بازتاب می‌دهد. چرا دادگاه کذایی بعد از سه سال تازه تشکیل شده است؟ چرا در پشت درهای بسته؟ چرا متهمین اصلی که سلامی، حاجی‌زاده، شمخانی، باقری و شخص خامنه‌ای هستند در دادگاه حضور نیافتند؟ چرا آنها که تصمیم گرفتند که در شرایط جنگی حریم هوایی را باز بگذارند، در این دادگاه حاضر نشدند تا جوابگو باشند؟ و سوال جالب‌تر اینکه چرا محل وقوع جنایت را فوراً با بولدوزر صاف کردند؟ چرا وسائل بجای مانده از مسافران و سرنشینان هوایما را که می‌توانست به‌عنوان سرنخ جرم استفاده شود، جمع کردند و بالا کشیدند و حتی به بازماندگان تحویل ندادند؟

زنجره‌ای و انواع جنایات دیگر، کشتارها ادامه یافته است. دادخواهی علیه جنایت شلیک به هوایمای مسافربری، در واقع دادخواهی از تمام جنایات‌های این حکومت ضدبشری است. این جنایت به نحوی بر دیگر جنایات حکومت نیز پرتوی افکنده و همه را جلوی چشم آورده است. مردم در ابعاد میلیونی خود را در کنار و همراه خانواده‌های جان‌باختگان شلیک به هوایمای اوکراینی می‌دانند. به‌عبارت‌دیگر جنبش دادخواهی، مستقیماً به انقلاب زن زندگی آزادی پیوند دارد و بخشی از آن است. مردم در ابعاد میلیونی در پی این هستند که با سرنگونی این حکومت به دوران تاریک و تلخ زندان و ترور و شکنجه و اعدام برای همیشه مهر پایان بزنند. اما برای رسیدن به چنین جامعه‌ای جنایت‌کاران، آنها که فرمان جنایات را داده‌اند. آنها که طراح و مبتکر و تئورسین جنایات بوده‌اند، آنها که مستقیماً در جنایات دست داشته‌اند و آنها که به این جنایات یاری رسانده‌اند، باید پاسخگو باشند. باید حساب پس بدهند. باید در برابر مردم علناً از پشت پرده جنایات خود سخن بگویند. مردم کلاً آگاه‌تر و متمدن‌تر از آن‌اند که بخواهند از قاتلین اسلامی انتقام بگیرند. اما شرط زدن مهر پایان بر تاریخ توحش، درهم‌کوبیدن ماشین تولید توحش و جنایت، و حسابرسی از طراحان و مجریان اصلی آن است. و همه چیز حکایت از این دارد که روزی که جنایت‌کاران در دادگاه‌های مردمی در پشت میز محاکمه حاضر شوند و ناچار به پاسخ‌گویی شوند، دور نیست.*

حقیقت این است. شلیک موشک به هوایمای مسافری در روشن در شرایطی که کاملاً روشن است که عمدی بود، یک جنایت بسیار بسیار فجیع علیه بشریت است. شعار همه بازماندگان و مردم این است "نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم". به‌طورقطع شبیح این جنایت باورنکردنی هیچگاه دست از سر جمهوری اسلامی و سرانش برنخواهد داشت. تا سرنگونی این حکومت و تا زمانی که آمرین و عاملین این جنایت که سران و دست‌اندرکاران بالای حکومت هستند، در دادگاه‌های علنی مردمی محاکمه شوند، این پرونده باز است. این دادگاه نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی با تمام تلاش‌هایش نتوانسته است فشار جنبش دادخواهی بر گرده خود را کنار بزند و این جنایت را به حاشیه براند.

مردم و بیش از همه خانواده‌ها خشمگین‌اند. بسیار خشمگین‌اند. پرسش بزرگ و بهت‌زدگی روزهای اول این جنایت هنوز هم در اطراف این جنایت زنده است. چگونه ممکن است که حکومتی هوایمای مسافربری را که چند لحظه قبل از فرودگاه کشور متبوعش بلند شده، و می‌دانند که چه کسانی در درون آن هستند که بسیاری از آنها کودکان بودند، به‌صورت عمد به موشک ببندد؟ آنها که نقشه کشیدند و تصمیم گرفتند که مسافران بی‌گناه را به آن مرگ دلخراش به قتل برسانند، چه موجوداتی هستند؟ کدام قاتل بی‌رحم چنین جنایت باورنکردنی ای را می‌تواند طراحی کند و دستور اجرایش را بدهد؟

جنبش دادخواهی یک جنبش قدرتمند و مصمم علیه حکومت اسلامی است. ابعاد جنایات این حکومت قابل‌محاسبه نیست. ساده‌ترین کار برای حاکمین اسلامی کشتن است. برای قتل هزار حدیث و آیه و توضیح‌المسائل و احکام الهی دارند. خیالشان راحت است که در نتیجه این جنایات به بهشت خواهند رفت. چون‌که به دوام و بقای بهشت روی زمین برای چپاولگران اسلامی، کمک کرده‌اند. شمار قربانیان به صدها هزار نفر می‌رسد. شرح چگونگی جنایات امکان‌پذیر نیست و نحوه جنایاتشان به‌راستی در مخیله انسان معمول نمی‌گنجد. از همان روز اول به‌قدرت رسیدن این حکومت تا امروز در درون زندان‌ها، با اعدام درملاءعام، در خیابان‌ها و کوچه‌ها، در کردستان و ترکمن صحرا و سیستان و بلوچستان و تهران و شیراز، و با قتل‌های



عروج جنبش زنان و گسترش ابعاد بی‌حجابی



میلاد رباعی

انقلاب زن زندگی آزادی هنوز به اهداف خود نرسیده است؛ اما تا همین جا یک دستاورد جدی داشته است و آن زدن زیرآب حجاب اجباری اسلامی است. بی‌حجابی زنان و دختران در خیابان‌ها و مراکز عمومی روزبه‌روز رو به گسترش دارد و سیر صعودی سریعی را طی می‌کند. سران حکومت تا به خود آمدند بیش از نیمی از زنان حجاب خود را کنار گذاشتند. طبیعی است که مثل همیشه به تکاپو افتادند و شروع کردند به رجزخوانی و تلاش برای ارعاب جامعه. از چپ و راست «راهکار» ارائه می‌دهند و یکدیگر را مقصر قلمداد می‌کنند. در این میان جناب رادان فرمانده انتظامی هم طرح‌هایی ارائه کرده که تنها مایه شوخی و مسخره مردم است. شناسایی زنان بی‌حجاب با دوربین، پرداخت جریمه و زندان، توقیف اتومبیل و سایر تهدیدها نیز تا کنون به‌جایی نرسیده و حتی نتیجه معکوس داشته است.

بنا بود روز شنبه ۲۶ فروردین روز آغاز طرح جدید حجاب و عفاف باشد. اما این روز زنان وسیعاً بدون حجاب بیرون آمدند و حکومت برای مقابله با آن راه به جایی نبرد. برخی آمارها نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد زنان در تهران بدون حجاب بیرون می‌آیند. این تصویر به‌خوبی نشان می‌دهد که چرا حکومت در برخورد با مسئله حجاب چنین به‌بن‌بست رسیده و هیچ کاری از دستش ساخته نیست. این شیوه مبارزه زنان رژیم را در گوشه رینگ گیر انداخته است. به نظر می‌رسد شیشه عمر این حکومت شکسته و پایه‌هایش ویران گشته است. با نگاهی به خیابان‌های تهران و مشاهده میزان گسترش ابعاد بی‌حجابی می‌توان فهمید که حکومت اسلامی به لطف جنبش‌های زن به معنای حقیقی، حاکم بر آن جامعه نیست. عنان اختیار امور کاملاً از دستش خارج شده است.

درست در چنین بزنگاهی است که حضور مؤثر سایر جنبش‌های اعتراضی و به‌خصوص جنبش کارگری می‌تواند این سایه سیاه را از سر مردم کم کند. جنبش‌های زن حکومت اسلامی را تا لب پرتگاه سرنگونی پیش برده و آغاز اعتصابات سراسری در کنار اتحاد بخش‌های مختلف جنبش سرنگونی می‌تواند لاشه بی‌روح رژیم را تا گورستان تاریخ تشییع کند.*

جدال بر سر حجاب در جامعه ادامه دارد و زنان حجاب اجباری را زیر پا گذاشته‌اند و حکومت در تقلا است که این سنگر از دست‌رفته را بازپس گیرد....

همواره از حجاب اجباری و رابطه پایه‌ای آن با حاکمیت جمهوری اسلامی سخن گفته‌ایم. بارها تأکید کرده‌ایم که حیات حکومت اسلامی هم به معنای سمبولیک و هم در عمل به تار موی زنان بند است و حجاب اجباری به‌مثابه شیشه عمر حکومت است. حکومتی که پایه‌های خود را با حجاب محکم کرده است بدون وجود حجاب پایه و اساسش از دست خواهد رفت.

با آغاز انقلاب زن، زندگی، آزادی جنبش ریشه‌دار زنان در سطحی وسیع به حرکت درآمد و به جلودار انقلاب و نیروی پیشروی آن تبدیل شد. این جنبش قهرمانی‌های فراوانی آفرید و انقلاب زن زندگی مورد تحسین جهان قرار گرفت. دنیا در سیمای این جنبش به فرهنگ و ارزش‌های واقعی زنان و به‌طور کلی جامعه ایران پی برد و تصویر تحمیلی - تخیلی «زنان مسلمان و معتقدی که پیرو مذهب و اخلاقیات و ارزش‌های خودی هستند» پیش‌ازپیش دود شد و به هوا رفت. در این میان نقش بی‌حجابی، آغاز و گسترش آن از جایگاه مهمی برخوردار است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

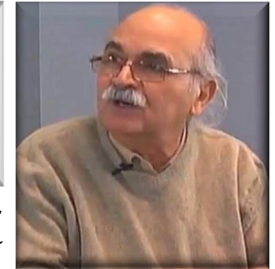
تردید نیست که انقلاب ایران تنها حول مسئله زنان نیست و خواست‌های جنبش زنان نیز تنها در مقوله حجاب خلاصه نمی‌شود، اما به دلایلی که در آغاز اشاره شد حجاب اجباری برای ادامه حاکمیت جمهوری اسلامی امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است. از همان اولین روزهای انقلاب و شروع فاز اعتراضات خیابانی شاهد حضور وسیع زنان، بدون حجاب بودیم. بسیاری از زنان معترض بدون حجاب در خیابان‌ها ظاهر شدند؛ اما به دلیل وسعت اعتراضات و تعدد اتفاقات، پدیده بی‌حجابی هنوز خیلی گسترده نبود و حاکمیت نیز که موجودیت خود را هر لحظه در معرض خطر می‌دید مشغول سرکوب و کشتار برای حفظ خود در کوتاه‌مدت بود.

پیش‌بسوی ایجاد شوراها سازماندهی اعتراضات و اعتصابات در کلیه شهرها



سرنگون باد

حکومت ضد زن جمهوری اسلامی!



پیروزی انقلاب و نقش جنبش‌های سیاسی تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در تلویزیون کانال جدید

حسن صالحی: در اکتبر سال ۲۰۰۰، حزب کمونیست کارگری ایران در سند مصوب کنگره سوم خودش اعلام کرد که آینده سیاسی ایران از تقابل سه جنبش مهم سیاسی می‌گذرد: جنبش ملی اسلامی، جنبش ناسیونالیست پرو غرب، و بالاخره جنبش کمونیسم کارگری که حزب کمونیست کارگری در واقع به این جنبش سوم تعلق دارد. می‌خواهم از شما این سؤال را در ابتدا بپرسم که موقعیت این سه جنبش در جریان انقلابی که ما شاهدش هستیم چگونه است؟

حمید تقوایی: موقعیت این جنبش‌ها در اثر انقلاب زن زندگی آزادی نسبت به شش هفت ماه پیش، قبل از شروع این انقلاب، کاملاً فرق کرده است.

تا آنجا که به جنبش ملی اسلامی برمی‌گردد باید بگویم جریانات به اصطلاح اصلاح طلب حکومتی یا استحاله‌چی‌ها و دو خردادی‌ها که به این جنبش متعلق هستند کاملاً به آخر خط رسیده‌اند. می‌دانید که این نیروها یک‌پایشان در حکومت است. جناح‌هایی از حکومت هستند که از بد حادثه به اپوزیسیون رانده شده‌اند. اصول‌گراها و شخص‌خامنه‌ای که همیشه دست بالا را در حکومت داشته‌اند اینها را از حکومت بیرون رانده‌اند.

پرونده این جنبش از خیزش ۹۶ بسته شد. با شعار "اصلاح طلب اصول‌گرا دیگه تمومه ماجرا" واقعاً ماجرا تمام شد و بطریق اولی در انقلاب حاضر هم نیروهای این جنبش هیچ جایگاهی ندارند. کاملاً افشا شده و رسوا شده‌اند. تلاش‌هایی اینچواوآنجا می‌کنند مثل اینکه موسوی اعلام می‌کند از قانون اساسی گذر کرده یا روحانی گاهی نق‌هایی می‌زند و غیره. برخی از چهره‌های این جنبش امروز خودشان را دیگر طرفدار جمهوری اسلامی نمی‌دانند و به نوعی از رژیم عبور کرده‌اند. به عبارت دیگر کاملاً صفوفشان درهم ریخته است.

امروز این جنبش بیش از همیشه بی‌ربط به جامعه و کاملاً ورشکسته و منزوی است و تماماً به بن‌بست رسیده. ما همیشه گفته‌ایم که عمر جنبش ملی اسلامی به اندازه عمر حکومت است و الان که حکومت به سراشیبی سقوط افتاده و انقلاب توده‌ای عظیمی علیه کل جمهوری اسلامی شکل گرفته این جنبش هم دیگر محلی از اعراب ندارد.

جنبش دیگر جنبش ناسیونالیسم پرو غرب است که به نظر من نام دقیق‌ترش ناسیونالیسم پرو دولت‌های غربی است. این جنبش در ادبیات ما ناسیونالیسم پرو غرب نامیده شده؛ ولی ناسیونالیسم پرو دولت‌های غربی اسم با مسمی تری است. نیروهای این جنبش پرو تمدن غرب نیستند. این نیروها اعم از سلطنت‌طلب‌ها و نیمه‌سلطنت‌طلب‌ها، بسیاری از جمهوری خواهان و ملی‌گرایان حتی لیبرالیسم غربی را نمایندگی نمی‌کنند. حمایت آشکار و نیمه‌آشکار از سلطنت و تأکید بر خط‌قرمز تمامیت ارضی یا حقوق بشر کوروشی و غیره همه از نظر سیاسی جزئی از ارتجاع غرب است و نه جزئی از لیبرالیسم و حتی همان دموکراسی مورد ادعای این نیروها. مشخصاً خاستگاه این نیروها ناسیونالیسم افراطی عظمت طلب فارس است.

نیروهای اپوزیسیون راست متعلق به این جنبش با سربلند کردن انقلاب زن زندگی آزادی مجبور به دنباله‌روی از سیر تحولات شدند. این جنبش در تفکر

و دکترین و استراتژی‌اش با انقلاب مخالف است. این نیروها انقلاب را هرج و مرج می‌دانند، انقلاب را خشونت می‌دانند. انقلاب باعث می‌شود کار از دست متخصصین، بوروکرات‌ها و تکنوکرات‌ها و کارفرماها خارج بشود، تئوریه بالائی‌ها در هم بشکنند، و این از نظر نیروهای اپوزیسیون راست و ناسیونالیست‌ها یک فاکتور منفی است که باید جلوی گرفته شود.

وقتی انقلاب زن زندگی آزاد شکل گرفت طبعاً اینها آچمز شدند. اگر بنا به خواست و میل اینها تحولات پیش می‌رفت می‌باید چشم‌انداز تغییرات از بالا و رژیم‌چنج و رفراندوم و تغییر قانون اساسی و نظایر آن دست بالا پیدا می‌کرد. خط و استراتژی و جهت‌گیری نیروهای راست اساساً همین بود. انقلاب زن زندگی آزادی زیر همه این‌ها زد و معلوم شد اوضاع به سمت دیگری می‌رود. ناچار شدند که خودشان را هوادار انقلاب جلوه بدهند؛ ولی در عین حال سعی کنند که در چارچوب ملی میهنی انقلاب را مسخ و در واقع خفه کنند. انقلاب زن زندگی آزادی را انقلاب ملی می‌نامند، از وحدت ملی، امنیت ملی، مرزهای ملی، ارزش‌های ملی صحبت می‌کنند، و کلاً تلاش می‌کنند انقلاب را در شکل یک حرکت ملی - میهنی مسخ و تحریف کنند. حرکت ملی - میهنی‌ای که کاملاً منطبق بر چشم‌انداز، سیستم ارزشی، و دکترین ناسیونالیسم عظمت طلب فارس است؛ یعنی حتی در برابر احزاب ملی قومی مثلاً در کردستان و آذربایجان و مناطق دیگر قرار می‌گیرد. خط‌قرمز تمامیت ارضی ناسیونالیسم فارس در واقع هشدار و خط‌نشان کشیدن علیه هر نیرویی است که مثلاً مردم کردستان یا آذربایجان را ملت بنامد و یا خواهان رفع تبعیض و ستم ملی باشد. هر سخنی از نه‌تنها جدائی، بلکه خودمختاری و خودگردانی و فدرالیسم در میان باشد از نظر ناسیونالیسم فارس جزو خط‌قرمزها است و باید سرکوب شود.

به همین خاطر در منشور کدائی‌شان خط‌قرمز تمامیت ارضی را مطرح می‌کنند و اعلام می‌کنند که وظیفه ارتش محافظت از "یکپارچگی سرزمینی" است. همین تبیین اینها از نقش و وظیفه ارتش آنها را حتی از حیطة لیبرالیسم غربی بیرون می‌اندازد. یعنی ارتشی که لیبرالیسم غربی لاقلاً رسماً این طور تعریف می‌کند که وظیفه دفاع از کشور و یا ملت در برابر دشمن خارجی را به عهده دارد، ناسیونالیسم فارس فلسفه وجودی‌اش را حفظ تمامیت ارضی در برابر نیروهای داخلی، نیروهایی که از نظر آنان "تجزیه‌طلب" هستند، تعریف می‌کند.

این ارتجاع کامل است. این به فاشیسم نزدیک است و نه به حتی لیبرالیسم غربی. در قاموس لیبرالیسم غربی تجزیه‌طلبی گناه کبیره نیست. در بسیاری از کشورهای غربی بالاخره احزاب تجزیه‌طلب در پارلمان نماینده دارند و آزادانه فعالیت می‌کنند. البته دولت‌ها علی‌العموم می‌خواهند مرزهای کشورشان حفظ شود؛ ولی این باعث نمی‌شود تجزیه‌طلبی را جرم و خط‌قرمز اعلام کنند و علیه‌اش لشکر بکشند. آنچه در صدسال اخیر دولت‌های مرکزی در ایران بارها انجام داده‌اند.

با سربلند کردن انقلاب زن زندگی آزادی نیروهای اپوزیسیون راست تلاش کردند این ارزش‌ها و گفت‌وگوهای ناسیونالیستی - فاشیستی را به انقلاب تزریق کنند. این تلاش‌ها تماماً در نقطه مقابل و در تناقض کامل با شعارهایی است که مردم در خیابان‌ها سر می‌دهند.

جنبش سوم جنبش کمونیسم کارگری

که فاصله عمیق بین دره فقر و کوه ثروت از بین برود. همان‌طور که کارگران علیه "حقوق‌های نجومی فلاکت عمومی" همیشه شعار داده‌اند. ما در برنامه یک‌دنیای بهتر خواهان تحصیل و بهداشت رایگان شده‌ایم که مدت‌هاست شعار جنبش معلمان و بازنشستگان است. اینها معنی "زندگی" در شعار زن زندگی آزادی است. زندگی یعنی رفاه همگانی بر مبنای پیشرفته‌ترین استانداردهای رفاهی، یعنی لغو بردگی مزدی و استثمار و تسمه از گرده کارگر کشیدن، یعنی درهم‌کوبیدن شکاف عظیم طبقاتی و دره عمیق بین فقر و ثروت و تأمین یک زندگی انسانی و آزاد و برابر برای همگان.

اینها همه امر جنبش کمونیسم کارگری و هدف و آرمان حزب ما است که امروز بازتاب آن را در یک انقلاب عظیم، در اولین انقلاب زنانه تاریخ، مشاهده می‌کنید.

اداره شورایی که کارگران نیشکر هفت‌تپه اولین بار چند سال پیش در دل اعتصابشان مطرح کردند نیز یکی از اهداف اعلام شده و استراتژیک حزب ما است. اداره شورایی یعنی نفی هر نوع دولت مافوق مردم و ریشه‌کن کردن هر نوع استبداد و دیکتاتوری که در صدسال اخیر جامعه ایران را در چنگال خود فشرده است. این اهداف و گفتمان‌ها و مبارزات زمینه‌ساز انقلاب عظیم جاری است.

در شرایط حاضر آنچه روشن است موقعیتی است که حزب ما در جنبش کارگری از آن برخوردار است. به‌ویژه در میان کارگران نفت و همچنین نقش عملی و میدانی‌ای که در اعتصابات و اعتراضات در بخش‌های مختلف کارگری داشته است.

ببینید این‌طور نیست که در جنبش کارگری فقط گرایش کمونیستی فعال است. گرایش‌های مختلفی در میان کارگران وجود دارد، از دو خرداد بگیرد تا گرایش‌های راست و ناسیونالیستی. ولی همیشه دست بالا را چپ داشته است. می‌شود گفت به‌طور خودبه‌خودی جنبش کارگری همیشه متمایل به چپ بوده است و بر این زمینه حزب مشخصاً در تقویت گرایش کمونیست کارگری در جنبش کارگری نقش اساسی ایفا کرده که به‌نظم بازتابش را در منشور ۲۰ تشکیل صنفی و مدنی و همچنین منشور مطالبات پیشرو زنان می‌توان مشاهده کرد.

همان‌طور که اشاره کردم شکل‌گیری انقلاب خودش مهر تأییدی بود بر سیاست‌ها و بر روند تحولاتی که ما پیش‌بینی می‌کردیم و برای تحققش می‌کوشیدیم. انقلاب جشن ماست. جشن کمونیسم کارگری است. همان‌طور که گفتم بقیه به دنبالش کشیده می‌شوند؛ اما ما پرچمش را بلند کردیم. از همان زمان که جنبش ۲ خرداد پروبرو داشت و نافرمانی مدنی و رژیم چنج و غیره گفتمان بود، ما پرچم انقلاب را بلند کرده بودیم و امروز شکل‌گیری انقلاب زن زندگی آزادی فی‌نفسه نشان‌دهنده حقانیت ما و اعتبار ما و موقعیت ویژه حزب در دل تحولاتی است که در جامعه ایران دارد اتفاق می‌افتد.

حسن صالحی: حمید تقوایی شما از دست بالا داشتن چپ جامعه صحبت کردید. سؤال من این است که چقدر شما امکان می‌دهید که سرنگونی جمهوری اسلامی مطابق آن استراتژی و اهداف و سیاست‌هایی که این جنبش چپ، جنبش کمونیسم کارگری، نماینده آن است اتفاق بیفتد؟ یعنی چه تضمینی هست که نیروهای سیاسی دیگری که اشاره کردید انقلاب را هاجک نکنند؟ این امر چقدر امکان دارد؟

حمید تقوایی: سیر تاریخ و تحولات اجتماعی جزو علوم دقیقه نیست که مثل فیزیک و شیمی بشود نتایجش را پیش‌بینی کرد ولی می‌توان ارزیابی معینی داشت و از احتمالات صحبت کرد.

است. مستقل از اینکه الان موقعیت این جنبش در انقلاب جاری چیست که بعداً به آن می‌پردازم، نفس سربلند کردن انقلاب زن زندگی آزادی کاملاً منطبق بر ارزیابی از شرایط و خط و استراتژی و سیستم ارزشی و تبیینی است که حزب ما به‌عنوان نیروی متعلق به جنبش کمونیسم کارگری در چشم‌انداز جامعه قرار می‌دهد. حتی این که همه دنیا تحولات جاری را انقلاب زنانه می‌نامند تأیید این گفته زنده‌یاد منصور حکمت است که بیست و دو سال قبل پیش‌بینی کرد انقلاب آتی ایران انقلابی زنانه خواهد بود. سال‌ها قبل نهاد انقلاب زنانه بر این اساس تشکیل شد که فعالیت‌های مداوم و پیگیری داشته و در روند این انقلاب نیز نقش مؤثری ایفا کرده است. از این بگیرد تا مبارزه علیه حجاب که یک مسئله اساسی انقلاب است. امروز بود نبود حکومت به حجاب گره خورده است. داریم می‌بینیم که جنبش بی‌حجابی چه ابعاد عمیق و گسترده‌ای پیدا کرده است. ما سال‌های متمادی، ۸ مارس به ۸ مارس، و نه فقط روز جهانی زن؛ بلکه در هر مناسبتی، حجاب اسلامی را به‌عنوان دیوار آپارتاید جنسی، به‌عنوان پرچم بی‌حقوقی زن، و در خارج کشور به‌عنوان پرچم جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی، همیشه نقد کرده‌ایم و کوبیده‌ایم و علیه‌اش مبارزه کرده‌ایم. از مدت‌ها قبل اعلام کردیم حجاب شیشه عمر حکومت است که جمهوری اسلامی باحجاب آمده و بی‌حجاب خواهد رفت، از حرکت دختر خیابان انقلاب و از حرکت بی‌حجابی همیشه و در هر جا قاطعانه دفاع کردیم و امروز شاهدیم که انقلاب اخیر که با قتل مهسا به‌خاطر "بدحجابی" شروع شد با جنبش بی‌حجابی سراسری کل حکومت را مستأصل و در مانده کرده است.

البته مبارزه علیه حجاب اجباری تنها یکی از عرصه‌ها است. جنبش معلمان، جنبش بازنشستگان که الان در خیابان برای معیشت و منزلت مبارزه می‌کند، برای افزایش دستمزد و حقوق‌ها و برخورداری از یک زندگی انسانی مبارزه می‌کند، یک رکن دیگر انقلاب جاری است. در این جنبش‌ها هم حزب ما همیشه پرچم‌دار بوده و مبارزه برای معیشت و منزلت را یک عرصه مهم مبارزه می‌دانسته که نه تنها مسئله کارگران و مزدبگیران بلکه امر مربوط به بخش اعظم مردم به زیر خط فقر رانده شده است. در جنبش عدالت‌خواهی و علیه اعدام و سنگسار و جنبش آزادی زندانیان سیاسی و دفاع از کودکان و حمایت از محیط‌زیست و حقوق رنگین‌کمانی‌ها و غیره که زمینه‌های اجتماعی و سیاسی انقلاب جاری را تشکیل می‌دهند نیز حزب ما همواره فعال بوده است.

تا جایی که به اهداف و مضمون انقلاب مربوط می‌شود به نظرم شعار محوری زن زندگی آزادی کاملاً نشان می‌دهد که حزب ما چه می‌خواهد. "زن" یعنی برابری کامل و رهایی زن و مرد به‌خاطر اینکه در جمهوری اسلامی کلید و پرچم سرکوب و حجاب اختناق بر کل جامعه، بی‌حقوقی زن است. از این رو شعار آزادی زن مستقیماً مربوط می‌شود به دو رکن دیگر یعنی "زندگی" و "آزادی" کل جامعه. این همیشه گفتمان حزب ما بوده و صحبت از انقلاب زنانه سال‌ها قبل از شکل‌گیری این انقلاب گویای تأکید ما بر رهایی زن است. تأکید بر انقلاب زنانه نه به معنای انقلابی فقط بر سر مسئله آزادی زن، بلکه به‌عنوان انقلابی که با پرچم آزادی زن خواهان رهایی کل جامعه از همه نابرابری‌هاست. انقلابی که زنان در آن نقش اساسی دارند. انقلاب جاری صحت این ارزیابی‌ها را به‌روشنی نشان می‌دهد.

در رابطه با "زندگی" ما همیشه طرف‌دار معیشت و منزلت و برخورداری همگان از یک زندگی مرفه و انسانی بوده‌ایم و در این راه پیگیرانه مبارزه کرده‌ایم. امر ما ریشه‌کن کردن فقر و بی‌تأمینی اقتصادی است، امر ما این است

پیروزی انقلاب و نقش جنبش‌های سیاسی
ادامه از صفحه ۵

منظورشان نشان دادن مقدسات ملی - میهنی بجای مقدسات اسلامی نیست. بلکه می‌خواهند از شر همه تابوهای ملی - مذهبی خلاص شوند. پارادایم امروز پارادایم مدرنیسم و انسان‌گرایی و ارزش‌های جهان‌شمول انسانی است.

مردم بدون هیچ تبصره و شرط و شروطی آزادی می‌خواهند، از آزادی لباس پوشیدن بگیرند تا آزادی موسیقی، هنر، بیان، اندیشه، اعتصاب، تظاهرات، تشکل و غیره. مردم زندگی ای می‌خواهند درخور شأن انسان قرن بیست و یکم. امروزه مدیای اجتماعی باعث شده که مردم چشمشان به دنیا باز شود و خودشان را با شهروندان پیشروترین جوامع مقایسه کنند و چیزی کمتر از پیشرفته‌ترین جوامع را نپذیرند. این انقلاب به حکم شعار محوری‌اش بر سر این خواست‌ها و آمل انسانی است.

این پارادایم عمومی، این فضای عمومی، فضا و پارادایمی است که حزب ما بر متن آن شکل گرفته و مبشر و پرچم‌دارش بوده است. البته منظور من این نیست که همه کسانی که شعار زن زندگی آزادی می‌دهند لزوماً کمونیست هستند و یا طرف‌دار حزب هستند. منظور این است که به طور اژکتیو و عینی جامعه به این سمت آمده و امروز انقلاب دارای پرچم و شعارها و مضمونی است که کاملاً منطبق بر خط و سیاست و جهت‌گیری و استراتژی کمونیسم کارگری و حزب ما است.

این فاکتور مهمی است که ما را امیدوار می‌کند. احتمال بالایی دارد که ما بتوانیم در این شرایط قدرت را بگیریم و مردم بتوانند به قدرت برسند. چون هدف حزب ما برپایی دولت شورایی است یعنی می‌خواهیم مردم مستقیماً در حکومت شریک باشند، دخیل باشند و ما امیدواریم و به نظر فضای عمومی این دوره نشان می‌دهد که این کاملاً ممکن است. حتی در انقلاب ۵۷ هم که همان‌طور که گفتیم در میان نیروهای اپوزیسیون دوران پارادایم و فضای فکری ضد غربی ضد آمریکایی رواج داشت، بعد از سقوط شاه همه‌جا مردم شوراها را برپا کردند. مدت دو سال و خرده‌ای، تا ۳۰ خرداد ۶۰، طول کشید تا جمهوری اسلامی توانست بالاخره شوراها را بکوبد. همه‌جا شورا بود و همه آزادی و دموکراسی را با شورا تداعی می‌کردند.

این بار به نظر من انقلاب بسیار بیشتر پیش خواهد رفت. این بار حکومت شورایی حزب خودش را دارد که آن دوره نبود. شوراها خودبه‌خودی و از پایین تشکیل شده بود. امروز برنامه یک‌دنیای بهتر حزب حکومت شورایی را به تفصیل تبیین کرده و توضیح داده. این بار یک حزب دست‌اندرکار انقلاب داریم که در ۵۷ وجود خارجی نداشت: حزب کمونیست کارگری. اینها ما را امیدوار می‌کند که بتوانیم این انقلاب را به پیروزی برسانیم.

حسن صالحی: آخرین سؤال من در مورد همین موقعیت حزب کمونیست کارگری است. می‌خواستم بدانم که از نظر شما نقاط قوت و ضعف این حزب چیست؟ عرصه‌هایی که حزب باید فعالیت‌های خودش را بهبود بدهد کدام است؟ حزب چه باید بکند که در دل مردم جا بگیرد و اعتماد عمومی مردم را به دست بیاورد و به انتخاب سیاسی اول مردم ایران تبدیل شود؟

حمید تقوائی: تا جایی که به نمایندگی حرف دل مردم مربوط می‌شود به نظر من حزب ما فی‌الحال با جامعه این رابطه را دارد. یعنی حرف دل مردم را ما داریم نمایندگی می‌کنیم. ببینید اینکه به طور عینی سیاست‌ها و خواسته‌ها و آرمان حزب چه موقعیتی در جامعه دارد یک بحث است و اینکه مردم چقدر بر این امر واقف‌اند یک بحث دیگری است. تا آنجا که به فاکتور اول بر می‌گردد به نظر من شعارهای حزب فی‌الحال اجتماعی شده، توده‌ای شده بدون آنکه هنوز اکثر مردم بدانند حزبی هست که سال‌ها مبارزه کرده و این راه را کوییده و هموار کرده و موانع را از پیش پا برداشته تا بتواند جامعه به اینجا برسد. البته فعالین می‌دانند. به نظر من بسیاری

تا جایی که به تبیین و ارزیابی مربوط می‌شود من فکر می‌کنم از نظر اجتماعی چپ بسیار قدرتمند است. فقط هم منظورم حزب ما نیست. کلاً جنبش‌هایی اعتراضی که در ایران هست چپ و رادیکال است. نفس اینکه انقلاب بر سر زن زندگی آزادی شکل گرفته و نه بر سر مثلاً استقلال، بر سر صنعتی شدن و رشد اقتصادی، علیه بیگانگان و سلطه خارجی و نظایر اینها، همه نشانه خصلت کمونیستی انقلاب است.

انقلابات قرن بیستم عمدتاً از جنس دیگری بود. انقلاباتی که حتی با اسم کمونیسم شکل می‌گرفتند امرشان جبران کمبودهای اقتصادی و غلبه بر عقب‌ماندگی‌های نظام‌های فئودالی پیشاسرمایه‌داری بود. حتی بعد از انقلاب اکبر در روسیه گرایش صنعت‌گرا حاکم شد و نوعی سرمایه‌داری دولتی سازمان داده شد که اگر چه آن کشور را به یک قدرت بزرگ صنعتی تبدیل کرد؛ ولی هیچ ربطی به خواست‌ها و آرمان‌های انقلابی اولیه بلشویک‌ها نداشت. در چین هم می‌بینیم به اسم کمونیسم یک سرمایه‌داری هار بر مبنای مکتب شیکاگو شکل گرفته و مسلط شده است.

انقلابات قرن بیستم، تقریباً همه‌شان، انقلاباتی بود در چارچوب نوعی ملی‌گرایی، صنعت‌گرایی، بازگشت به فرهنگ خودی در مقابل استعمارگران و امپریالیسم و در مقابل قدرت خارجی. در ایران هم همین‌طور بود. انقلاب ۵۷ دقیقاً در چنین فضایی شکل گرفت. اگر در یک سطح پایه‌ای نگاه کنید می‌بینید که یکی از دلایلی که خمینی توانست به اسم انقلاب، انقلاب را به شکست بکشاند این بود که آن گفتمان و فضایی که در آن دوره بود فضای ضدآمریکایی و ضدغربی بود. من بارها بر این تأکید کرده‌ام که بعد از کودتای ۲۸ مرداد فضای ضدیت با آمریکا و کلاً غرب‌ستیزی بر اپوزیسیون مسلط شد. اپوزیسیون از چپ و راست و مذهبی و ملی‌گرا باعث‌وبانی همه مضائب را آمریکا و وابستگی حکومت شاه به آمریکا می‌دانست. فکر می‌کرد دیکتاتوری به‌خاطر وابستگی است. کم‌اینکه حتی اغلب نیروهای چپ معتقد بودند بخشی از بورژوازی که از امپریالیسم مستقل است و به اصطلاح آن زمان کمپرادور نیست، دموکرات و آزادی‌خواه است. معتقد بودند دیکتاتوری و سرکوب به‌خاطر وابستگی به امپریالیسم است. معتقد بودند شاه به این خاطر دیکتاتور است که "سگ زنجیری" امپریالیسم است و غیره و غیره. این فضا و این پارادایم سیاسی تا حد ضدغربی‌گری و ضدیت با مدرنیسمی که غرب نماینده آن است گسترش یافته بود.

با انقلاب ۵۷ و سلطه دیکتاتوری حکومت "مستقل و خودی" جمهوری اسلامی این فضا کلاً درهم‌شکسته شد. معلوم شد دیکتاتوری ضرورت کارکرد سرمایه‌داری در ایران است و نه ناشی از سلطه سرمایه‌های خارجی. معلوم شد جنبشی مثل اسلام سیاسی و دولتی مثل جمهوری اسلامی هم می‌تواند ضد آمریکائی باشد و هم عامل وحشی‌ترین نوع دیکتاتوری سرمایه‌داری.

امروز انقلاب زن زندگی آزادی در فضای کاملاً متفاوتی شکل گرفته است. هیچ نشانه و ردپایی از ناسیونالیسم و فرهنگ خودی و دغدغه صنعتی شدن و خارجی‌ستیزی و غیره را در آن نمی‌بینید. طرف‌دار مدرنیسم و دستاوردهای پیشرو فرهنگ غربی است و روشن و صریح اعلام می‌کند که زن باید کاملاً با مرد برابر باشد. باید همه شهروندان کاملاً برابر باشند. جامعه باید آزاد باشد و برای آزادی هیچ محدودیتی تعریف نمی‌کند که مثلاً به مقدسات توهین نشود، این یا آن شعائر ملی - میهنی زیر پا گذاشته نشود و غیره. آنچه جزو گفتمان و ارزش‌های نیروهای راست است. مقصود مردم از آزادی ملی‌گرایی نیست.

پیروزی انقلاب و نقش جنبش‌های سیاسی
ادامه از صفحه ۶

ماست و ما باید بتوانیم بر آن فائق بیاییم و به قول شما فعالیتیمان را بهبود بدهیم، یکی استفاده وسیع و بهینه و فعال از مدیای اجتماعی است. حزب ما در آن سطحی که باید و شاید در این عرصه پیشروی چندانی نداشته است. اینجا وارد موانع عملی و تکنیکی این کار نمی‌شوم؛ ولی حزب باید خیلی بیشتر از این در مدیای اجتماعی فعال باشد و آن را به‌عنوان ابزار اصلی سازماندهی شبکه‌ها و تبلیغات توده‌ای و مبارزات میدانی در دست بگیرد.

نکته بعدی این است که حزب باید بیشتر از این به‌عنوان مدعی قدرت سیاسی در یک سطح ماکرو در جامعه ظاهر بشود. در بحث حزب و جامعه منصور حکمت به نکاتی اشاره می‌کند مثل اینکه حضور حزب را مردم باید ببینند. در هر کوجه و هر مدرسه و دانشگاه و هر کارخانه حضور حزب باید مشهود باشد. البته منظور این نیست که عضو حزب خودش را علنی کند، این هنوز ممکن نیست، ولی شعارهای حزب، گفتمان‌های حزب، بنرها و تراکت‌ها و دیوارنویسی‌های حزب باید مشهود باشد و همه جا محافل و جمع‌های حزبی در شبکه‌های مدیای اجتماعی با هم مرتبط باشند و این وظایف را به‌پیش ببرند. در این عرصه‌ها ما باید بیشتر از این کار کنیم.

در سطح ماکرو هم یک محور کار ما خارج کشور است. باید در زمینه کارهای لابی‌ایستی فعالانه‌تر کار کنیم. ما مدت‌هاست سیاست بایکوت جمهوری اسلامی را مطرح کرده و به‌پیش می‌بریم که الان این تقریباً یک گفتمان عمومی شده متهمی نیروهای دیگر بخش‌هایی از آن را مطرح می‌کنند. ما خواهان بایکوت کامل جمهوری اسلامی هستیم. در این جهت یک سری فعالیت‌های خیابانی و فعالیت‌های لابی‌ایستی جامع‌تر و پیگیرتر از آنچه تا کنون انجام داده‌ایم باید در دستور کارمان بگذاریم.

به نظر من اینها عرصه‌هایی است که هنوز جا دارد حزب ما بیش از اینها فعال شود و پیشرفت کند و ضعف‌هایش را بپوشاند.

۱۹ آوریل ۲۰۲۳، ۳۰ فروردین ۱۴۰۲

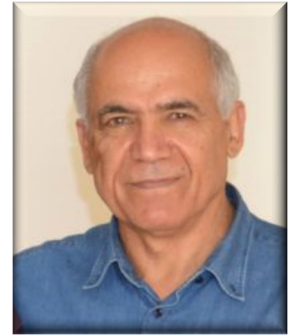
از فعالین و دست‌اندرکاران در جنبش کارگری در جنبش دانشجویی، جنبش زنان، دادخواهی و غیره این را می‌دانند؛ ولی توده اهالی، توده مردم این وقوف را ندارند. خوشبختانه در دل این انقلاب از نظر آگاهی توده‌ای هم جامعه دارد به این سمت می‌رود.

ببینید هر انقلابی بنا به تعریف شرایط مساعدی برای کمونیست‌ها به وجود می‌آورد. حتی انقلاب ۵۷ گروه‌های کمونیستی نظیر چریک‌های فدایی خلق گرچه چند ۱۰ نفر بیشتر نبودند که از زندان آزاد شدند ولی توانستند تظاهرات‌های توده‌ای برپا کنند. به این معنا انقلاب چپ را بزرگ می‌دارد و بر روی دوش بلند می‌کند. به‌طریق‌اولی این امر در مورد حزب کمونیست کارگری که ده‌ها سال است برای شکل‌گیری انقلاب دارد مبارزه می‌کند نیز صادق است. از این رو باید گفت از نظر عینی و اجتماعی حزب ما موقعیت بسیار مساعدی دارد. ولی باید کاری کنیم که توده مردم هم این را ببینند و حزب را بشناسند. موقعیت حزب را ببینند و بتوانند آن را به نمایندگی خودشان انتخاب کنند. برای رسیدن به این هدف ما هنوز باید بسیار کار کنیم. هنوز در آن نقطه نیستیم. انقلاب هم هنوز به‌اصطلاح جوان است و باید بکوشیم در همین جهت به‌پیش برویم.

زمانی، فکر کنم در سمینار "آیا پیروزی کمونیسم در ایران ممکن است" بود که منصور حکمت اعلام کرد کافی است شش ماه شرایط فعالیت سیاسی آزاد برقرار بشود، کافی است شش ماه اجازه بدهند احزاب آزادانه فعالیت کنند تا مردم ما را انتخاب کنند. امروز هم این صادق است. هنوز این شرایط را در ایران نداریم، رژیم سرکوب می‌کند، فعال حزبی نمی‌تواند خودش را معرفی کند و ناگزیر است هویت حزبی‌اش را انکار کند. رهبران عملی و میدانی کمونیست هنوز بخش اعظمشان مخفی‌اند. ولی اگر این شرایط عوض بشود و موازنه قوا به جایی برسد که بتوانند احزاب عرض‌اندام کنند من فکر می‌کنم حزب ما به‌سرعت می‌تواند چندین و چندبرابر امروز نیرو جمع کند.

تا آنجا که به امروز مربوط می‌شود به نظر من عرصه‌هایی که نقطه‌ضعف





اصغر کریمی

متن پیاده شده سخنرانی در کلاب‌هاوس راویژ ۲۵ فروردین ۱۴۰۲

موقعیت انقلاب در ایران در سال ۱۴۰۲

اوضاع با دفعات قبل متفاوت است.

اولین نکته اینکه روشن بود که این یک انقلاب است، ادامه‌دار است و ابعاد و دامنه آن گسترده‌تر از ۹۶ و ۹۸ است.

دوم اینکه انقلاب علیه حجاب و بی‌حقوقی زن شروع شده. یعنی جامعه حول مسئله حجاب در مقابل جمهوری اسلامی بلند شده و انقلاب زنانه است یا رنگ زنانه دارد. علت جهانی شدن سریع انقلاب هم زنانه بودن آن است. این اولین انقلاب زنانه در تاریخ بشر است و اهمیت آن جهانی و بسیار تاریخی است و همین‌طور تأثیرات آن حتی در اروپای پیشرفته کاملاً محسوس است.

نکته سوم اینکه انقلاب علاوه بر زنانه بودن، جوانانه هم هست. نقش جوانان شهرها، دانشجویان و همین‌طور دانش‌آموزان بسیار برجسته است.

چهارم اینکه همین فاکتورها، واضح‌تر از هر بحث و تحلیلی، نشان می‌دهد که انقلاب همگانی است. جمهوری اسلامی دشمن همه جلوه‌های زندگی است؛ یعنی با همه مردم به نحوی دشمنی دارد و در نتیجه همه مردم را در مقابل خود دارد. از هنرمند تا کارگر، از زن تا دانش‌آموز، از جوان تا بازنشسته، از کشاورز تا مغازه‌دار و از ورزشکار تا خواننده و هنرپیشه و نوازنده، به این معنی انقلاب همگانی است و البته این خصلت همه انقلابات علیه حکومت‌های سرکوبگر است.

از فقر و نابرابری تا دخالت مذهب در زندگی مردم، از بی‌حقوقی تمام‌عیار اجتماعی، تا ممنوعیت رقص و موسیقی و فعالیت هنری و ادبی و حتی دشمنی با جشن و شادی مردم و یا دشمنی با اینترنت و هر چیز که اسمش را زندگی بگذارید این حکومت سر جنگ دارد و متقابلاً نتیجه کل جامعه هم با حکومت سر جنگ دارد. کمتر حکومتی این چنین با همه نیازهای معمولی و اجتماعی یک جامعه، آن‌هم یک جامعه متمدن و شهری، پیشرفته بسیار سیاسی و آگاه دشمنی ورزیده است. در نتیجه این یک انقلاب بسیار همگانی، بسیار فراگیر، بسیار اجتماعی و می‌توان گفت اجتماعی‌ترین و همه‌گیرترین انقلاب تاریخ بشر است. این را هم اضافه کنم که بر سر همه این مسائل در تمام این ۴۴ سال مبارزات اجتماعی وسیعی جریان داشته است و حول هر کدام از این مسائل جنبش‌هایی شکل گرفته و چهره‌ها و شخصیت‌هایی عروج کرده‌اند. این فاکتورها در انقلاب جاری نقش مهمی دارند.

و بالاخره نکته پنجم اینکه توازن قوا میان مردم و حکومت و نیروهای سرکوبش خیلی با سال ۹۶ و ۹۸ متفاوت است. یک دلیل اینکه کشتار وسیع شبیه سال ۹۶ نبود به نظر من روحیه تعرضی‌تر مردم از یک طرف و روحیه ضعیف نیروهای سرکوب و عدم آمادگی آنها بود؛ یعنی جمهوری اسلامی هم از مردم می‌ترسید هم از نیروهای سرکوب خودش. وضعیت اقتصادی جمهوری اسلامی بحرانی‌تر از همیشه بود، در انزوای بین‌المللی قرار داشت، موقعیت منطقه‌ای‌اش ضعیف‌تر شده بود و می‌ترسید که با سرکوب شبیه ۹۶ افسار بیشتری از جمله کارگران به میدان بیابند. شکاف در میان حکومتی‌ها و دار و دسته‌های مختلفش نیز بسیار حاد بود و در اوج سرکوب‌ها و الان در اوج بی‌حجابی هم کاملاً شقه‌شقه است. حکومت ارزیابی‌اش این بود که اکثریت مردم به‌شدت معترض‌اند. هفته‌ها و

با سلام به دوستانی که در اتاق حضور دارند و با تشکر از مسئولین اتاق راویژ به‌خاطر فرصتی که برای بحث در اختیار من گذاشتند.

عنوان بحث من موقعیت انقلاب در سال جدید است؛ ولی فکر می‌کنم علاوه بر این مسئله یک سؤال ذهن خیلی‌ها را مشغول کرده است. آیا انقلاب جریان دارد یا فروکش کرده و تمام شده است؟ اما قبل از پاسخ‌دادن به این سؤال و موضوع اصلی بحث اجازه بدهید خیلی فشرده اتفاقات هفت ماه گذشته را مرور کنم و بعد به این سؤال و موقعیت امروز انقلاب بپردازم.

مروری بر رویدادها

مرگ مهسا در روز ۲۵ شهریور یعنی دقیقاً هفت ماه قبل جرقه‌ای بود بر انبار باروت جامعه. فضای تهران در مقابل بیمارستان کسری که مهسا در آن بستری بود نشان می‌داد که جامعه بسیار تعرضی و متشنج است و هر کس احساس می‌کرد دارد اتفاقاتی می‌افتد.

در میوان قتل شلیک رسولی یک هفته قبلش مردم این شهر را وسیعاً به خیابان کشاند. ۲۶ شهریور هزاران نفر از مردم سقز مرگ مهسا را به یک راهپیمایی سیاسی تبدیل کردند.

۲۷ شهریور دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به قتل مهسا به میدان آمدند. در مهاباد و کرج و رشت هم مردم به خیابان آمدند. هنرمندان و ورزشکاران شروع کردند به انتشار بیانیه‌های اعتراضی.

۲۸ شهریور به فراخوان حزب کمونیست کارگری و احزاب سیاسی دیگری در کردستان اعتصاب سراسری یکپارچه‌ای برگزار شد و تجمعات اعتراضی در خیابان‌ها گسترش یافت. در همین روز، اعتراض به تهران، ایلام، تکاب، بیجار، اصفهان، گوردرشت، رشت، و مشهد و چندین دانشگاه کشیده شد. شعار "می‌کشم، می‌کشم هر آنکه خواهرم کشت" در دانشگاه‌ها بلند شد. دانشجویان در دوره کرونا تحرک چندانی نداشتند. این مسئله فرصتی برای عرض اندام قدرتمند آنها شد. حداقل در ده دانشگاه تظاهرات شد.

۲۹ شهریور دامنه اعتراضات وسیع‌تر شد. شعارها همه سرنگونی طلبانه بود. این بار مردم در مقابل نیروهای سرکوب دست به تعرض می‌زدند، آنها را کتک می‌زدند و مزدورانی که قصد دستگیری زنان بی‌حجاب را داشتند فراری می‌دادند. در ده‌ها شهر تظاهرات شروع شد و روز بعد اکثر استان‌ها را در بر گرفت. دانش‌آموزان هم به تظاهرات پیوستند. آتش‌زدن حجاب و رقصیدن دور آتش هم شروع شد.

از ۳۱ شهریور مراسم‌های خاک‌سپاری هم شروع شد از جمله مراسم خاک‌سپاری مینو مجیدی در کرمانشاه به یک مراسم سیاسی تبدیل شد.

یعنی در عرض یک هفته اعتراض تمام استان‌ها را فراگرفت با همبستگی وسیع مردمی، اعتمادبه‌نفس مردم و ایستادن جانانه آنها در مقابل سرکوبگران و فراری دادن آنها، سوزاندن حجاب و با شعارهای مرگ بر دیکتاتور، جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم و زن، زندگی آزادی. همه شواهد نشان می‌داد که این بار

موقعیت انقلاب در ایران در سال ۱۴۰۲

ادامه از صفحه ۸

ماه‌های قبل از این خیزش یا انقلاب، جامعه پر از تظاهرات و اعتصاب معلمان و بازنشستگان و کشاورزان، کارگران نفت و غیره بود. به این معنی انقلاب به‌قول معروف رعد و برقی در آسمان بی‌ابر نبود.

کردستان خیلی قاطع به میدان آمد. جایی که برای حکومت بسیار حساس است و در این دوره هم شاهد حداقل سه اعتصاب بسیار وسیع و همگانی همراه با تجمعات شهری بود که هر سه مورد به فراخوان احزاب سیاسی شکل گرفت که این هم فاکتور مهمی است. در تهران هم به‌عنوان حساس‌ترین نقطه، اعتراض مردم در ده‌ها نقطه شهر گسترده بود.

خارج کشور هم فوق‌العاده تأثیرگذار بود و یک تفاوت مهم با خیزش‌های قبلی نقش خارج بود. انعکاس در رسانه‌های جهانی، همبستگی بسیاری از هنرمندان و ورزشکاران در کشورهای مختلف، آهنگ‌هایی که ساخته شد و تغییراتی که در سیاست‌ها و لحن مقامات کشورهای غربی و پارلمان‌ها صورت گرفت همه بسیار مهم بود.

تاکتیک مردم و مشخصاً جوانان هم متفاوت بود. گروه‌های کوچک سازمان‌یافته ولی بسیار زیاد. وزیر سابق اطلاعات در جلسه فرماندهان سپاه با خامنه‌ای از ۱۵۰۰۰ گروه محله‌ای با ابتکارات تازه و گیج‌کننده صحبت کرد.

موقعیت کنونی انقلاب

با این مقدمه نسبتاً طولانی اجازه بدهید بپردازم به سؤالاتی که در ابتدای صحبت‌م اشاره کردم. اولین سؤالی که ذهن خیلی‌ها را مشغول کرده و بحث‌های متفاوتی هم در مورد آن جریان دارد این است که آیا انقلاب همین‌الان ادامه دارد یا تمام شده است؟

به نظر من هیچ شکلی در اینکه انقلاب همین‌الان جریان دارد و خیلی هم قوی است نباید داشت. ممکن است گفته می‌شود تظاهرات‌های خیابانی که خیلی کم شده، دانشگاه‌ها و مدارس هم تحرک ماه‌های اول را ندارند. حتی سلبریتی‌ها و ورزشکاران و غیره هم تحرک گذشته را ندارند، پس انقلاب کجا است؟ حتماً همه از بی‌حجابی گسترده خبر دارید. در روزهای گذشته با تعدادی از دوستان در ۱۴ شهر تهران، کرج، سنندج، سقز، مهاباد، بابل، بابلسر، لاهیجان، شیراز، گناوه، یزد، مراغه، ارومیه و تبریز صحبت کردم تا تصویری واقعی از ابعاد بی‌حجابی به دست بیاورم. به این نتیجه رسیدم که بی‌حجابی در ابعادی میلیونی جریان دارد. چند میلیون زن بی‌حجاب همین‌الان در خیابان‌ها رفت‌وآمد می‌کنند، یا در رستوران‌ها، پاساژها و فروشگاه‌ها، یا در مترو و اتوبوس و ماشین‌های شخصی و یا در مراکز تفریحی ظاهر می‌شوند. می‌گفتند گروه‌های مختلفی از زنان هستند که عاملان و بی‌حجاب به‌عنوان اقدامی مبارزاتی و برای تشویق دیگران به برداشتن حجاب به نقاط مختلف شهر می‌روند. این هم نتیجه انقلاب است و هم نشانه ادامه انقلاب. به نظر من اهمیت این کمتر از تظاهرات نیست. البته که تظاهرات فاکتور تعیین‌کننده و مهمی است اعتصاب هم بسیار مهم است؛ اما بی‌حجابی هم بسیار مهم است. به‌ویژه که بحث بر سر چند میلیون نفر بی‌حجاب است نه چندصد یا چندهزار نفر. حجاب اولین و مهم‌ترین فاکتوری است که حکومت می‌تواند ادعا کند که اسلام در این مملکت حاکم است و جامعه مثلاً اسلامی است. این ادعا را دیگر نمی‌تواند بکند. یعنی کسی خریدارش نیست. یک پوستری در نقاط مختلف تهران است تحت عنوان: «تهران الگوی جهان اسلام» که دیگه کاملاً مسخره جلوه می‌کند.

حجاب رکن هم ایدئولوژیک و هم سیاسی حکومت است و در نتیجه جمهوری اسلامی بدون حجاب موضوعیتی ندارد. حتی اگر هیچ اعتراض دیگری در کار نباشد. نفس بی‌حجابی در این ابعاد که به‌سرعت هم در حال گسترش بیشتر است و ترس حکومت از درافتادن با زنان یعنی یک انقلاب. از سفر گزارشاتی داشتم که می‌گفتند مأمورین می‌ترسند به زنان تذکر بدهند. در اهواز و تهران و چند شهر دیگر هم همین‌طور. یعنی انقلاب عمیق و اجتماعی گسترده‌ای در جریان است. اولین فرمان خمینی تحمیل حجاب بود و با کنار رفتن حجاب یعنی فلسفه وجودی حکومت زیر سؤال رفته است. روشن است که این جنبش عظیمی علیه مذهب هم هست. جنبش ضد مذهبی خیلی قدرتمند بود. ده سال و بیست سال قبل هم خیلی قوی بود یک جنبش اجتماعی وسیع بود؛ اما بی‌حجابی در این ابعاد یک گام اساسی جنبش ضد مذهبی را هم جلوتر برد. به این معنی دو رکن حکومت یعنی حجاب و اسلام در ابعادی بی‌سابقه مورد تعرض قرار گرفته است. بی‌حجابی و رقص و پایکوبی‌های مختلط زن و مرد مخصوصاً در روزهای چهارشنبه‌سوری و نوروز آپارتمان‌داری جنسیتی را هم در هم شکسته است.

این نکته را هم خوب است اینجا اضافه کنم که هر انقلابی ویژگی‌های خود را دارد. اشکال خاصی به خود می‌گیرد. نیروهای خاصی در خط مقدم آن قرار می‌گیرند. شعارهای خاصی دارد. رنگ و بوی جنبش یا موضوع خاصی را به خود می‌گیرد. در ایران انقلاب رنگ کامل زنانه دارد، علیه حجاب شروع شده و شعارها و حرکات و مختصات ویژه خود را دارد.

اما علاوه بر مسئله حجاب، یک شاخص مهم این است که هیچ‌کس فکر نمی‌کند که شکست خورده و سرکوب شده و تمام شده است. چون اشکال مختلفی از اعتراض جریان دارد. از مراسم‌های یاد جان‌باختگان، روزهایی مانند چهارشنبه‌سوری و نوروز و رقص‌های مختلط مردان و زنان بی‌حجاب، تجمع مردم سقز و اعتصاب دوازده‌روزه آنها در روزهای گذشته، متشکل شدن‌ها، اعلام همبستگی با خانواده‌های دستگیرشدگان و دید و بازدیدها، شعارنویسی‌ها، شعاردهی‌های شبانه، آتش‌زدن نمادهای حکومتی، چسباندن عکس خامنه‌ای در پله‌های مسیره‌های عمومی که مردم لگدمال می‌کنند و صد شکل دیگر.

انقلابی که شکست می‌خورد تشکل‌های رادیکال هم زیر سؤال می‌رود یا به‌شدت تضعیف می‌شود؛ اما انواع تشکل‌ها از جمله ۵۵ تشکل جوانان و دانشجویان دارد روزبه‌روز قوی‌تر می‌شود. با افول هر انقلابی گرایش راست و تاکتیک‌های محافظه‌کارانه و نزدیک به جناحی از حکومت رشد می‌کند؛ اما در ایران شاهدیم که راست مدام دارد بی‌آبروتر و ضعیف‌تر می‌شود و رادیکالیسم بیشتر دست بالا پیدا می‌کند. در مورد این نکته بعداً بیشتر صحبت می‌کنم.

چشم‌انداز اوضاع چیست؟

با این توضیحات اجازه بدهید به چشم‌انداز اوضاع بپردازم. برای پاسخ درست به این مسئله باید هم مشخصات کنونی مبارزه و توازن قوای میان مردم و حکومت را دید و هم وضعیت حکومت از نظر اقتصادی، وضعیت درونی حکومت، نیروهای سرکوب و هم موقعیت حکومت در رابطه با غرب را که به‌اختصار به اینها می‌پردازم.

اولین مسئله بی‌حجابی است که اینجا از زاویه دیگری می‌خواهم اهمیتش را توضیح بدهم. بی‌حجابی مسئله‌ای درخود نیست که مثلاً یک نیمچه آزادی اجتماعی زنان به دست آورده‌اند و حکومت هم قرار است آن را تحمل کند و این یک نقطه تعادل جدید شروع می‌شود و اوضاع آرام می‌شود. حجاب شروع یک جنگ بسیار عظیم‌تر میان مردم و حکومت است و حکومت در حال حاضر پرچم نیمه سفیدش را با تذکر لسانی بجای تذکر اسیدی بالا برده است. بی‌حجابی سیلی سیاسی محکمی به حکومت

در کار نبود، شرایط جامعه به طرف یک کشمکش حاد، خیزش وسیع اجتماعی و یک انقلاب حرکت می‌کند.

اجازه بدهید در پایان به طور فشرده سیاست حزب کمونیست کارگری را در مورد چند مسئله مهم توضیح بدهم:

ما بیش از بیست سال قبل اعلام کردیم که انقلاب آتی در ایران رنگ زنانه دارد و ضد مذهب است. ما حجاب را اصلی‌ترین سمبل بی‌حقوقی زنان معرفی کردیم و اینکه مبارزه زنان هم علیه حجاب حاد می‌شود که خیلی‌ها را خوش نیامد. ملی اسلامی‌هایی مانند شیرین عبادی که نمی‌خواستند با کلیت حکومت درافتند، با ما درافتادند. متأسفانه جریان‌ات چپ هم کم‌و‌بیش اهمیتی به مبارزه با حجاب ندادند. صحت سیاست‌های ما اکنون در خیابان‌ها اثبات شده است. بعلاوه ما سال‌هاست با قاطعیت اعلام کرده‌ایم و توضیح داده‌ایم که فضای چپ بر جنبش‌های اجتماعی حاکم است و اپوزیسیون راست موفقیت ضعیفی دارد و با جامعه همخوانی ندارد. کلیه طرح‌هایش، سیاست‌هایش و نهادهایش شکست خورده و شکست می‌خورد. ائتلاف شش‌نفره را هم از همان ابتدا گفتیم شکست می‌خورد. فرشگرد را هم گفتیم بادکنکی است و جریانی که در یک فضای پرتلاطم سیاسی پرچم علیه کمونیسم بلند می‌کند مطلقاً موقعیتی پیدا نمی‌کند و همین‌طور شد. اکنون جریان سلطنت‌طلب به‌عنوان اصلی‌ترین اپوزیسیون راست با منشور جرج تاون و رونمایی از مقامات ساواک و دیگر حرکات فاشیستی حامیانش در خارج آن را به‌شدت بی‌آبرو کرده است. در مقابل، منشور مطالبات صنفی بیست تشکل و منشور مطالبات پیشرو زنان که توسط چهره‌های خوشنام و سرشناس منتشر شده است توجه و زیادی را به خود جلب کرده است. پنجاه و چند تشکل جوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان نیز هر روز موفقیت و اعتبار بیشتری پیدا می‌کند. یا در نفت شورای سازماندهی اعتراض کارگران پیمانی و ارکان ثالث شکل گرفته که تشکل‌های رادیکالی هستند. اما تشکل جوانان محلات تهران به جبهه راست هفت آبان پیوست و چنان بی‌اعتبار شد که اخیراً از این جبهه جدا شد. در واقع هر تشکلی خود را به جریانات راست بچسباند بی‌اعتبار می‌شود. این فاکتورها نشان می‌دهد که انقلاب هر روز دارد عمیق‌تر، رادیکال‌تر و متشکل‌تر می‌شود.

اگر خلاصه کنم:

انقلاب ادامه دارد. عمق بیشتری پیدا کرده. متشکل‌تر و رادیکال‌تر شده. اوضاع اقتصادی وخیم مردم و ناتوانی کامل حکومت در تخفیف بحران، طیف‌های بیشتری را به اعتراض می‌کشاند و در نتیجه داریم به‌طرف اوضاعی بسیار توفنده‌تر می‌رویم.

سال ۱۴۰۲ به این معنی تعیین‌کننده‌ترین و مهم‌ترین سال سیاسی در ایران خواهد بود. یا رژیم در این سال سرنگون می‌شود و یا انقلاب عظیم‌تری شروع می‌شود با جمعیت‌های خیلی عظیم در خیابان‌ها و اعتصابات و درگیری‌ها و سقوط حکومت را در پایان آن شاهد خواهیم بود.*

موقعیت انقلاب در ایران در سال ۱۴۰۲

ادامه از صفحه ۹

است. قدرت‌نمایی مردم است. محصول موفقیت‌های انقلابی است که داریم وارد هشتمین ماهش می‌شویم. احساس یک موفقیت بزرگ برای گام‌های اساسی‌تر بعدی است. نه حکومت این وضع را تحمل می‌کند و نه زنان و جامعه در این موقعیت می‌خکوب می‌شوند. اما حکومت یک مشکل دارد و آن اینکه توان درافتادن با بی‌حجابی را که به‌صورت یک سونامی درآمده ندارد. قبل از این انقلاب حریف نشد حالا که جامعه هزار بار جلوتر آمده و عملاً این خاکریز مهم را فتح کرده است کار حکومت بسیار سخت‌تر است. حتماً خبر دارید که گروه‌های تذکر لسانی سازمان داده‌اند که با لبخند با بی‌حجابان طرف می‌شوند و حتی دسته‌گل به آنها می‌دهند تا حجاب را رعایت کنند! با اسید و پونز و شلاق و زندان نتوانستند حالا قرار است با تذکر لسانی، ارتش بی‌حجابان را عقب برانند!

در نتیجه بی‌حجابی کنونی شروع کشمکش‌های خیلی جدی میان دو طرف است حکومت از یک طرف و زنان و به‌طورکلی جامعه از طرف دیگر. کشمکشی که از قبل نتیجه‌اش روشن است: شکستی سخت‌تر و پرهزینه‌تر برای حکومت، شکستی که روی همه چیز تأثیر می‌گذارد. حکومتیان را بیشتر به جان هم می‌اندازد، روحیه نیروهای سرکوب را بیشتر خرد می‌کند، مردم را با اعتمادبه‌نفس‌تر به جلوصحنه می‌آورد و بر جنبش‌های دیگر از جمله جنبش کارگران و معلمان و بازنشستگان که در هفته‌های اخیر تحرک وسیع‌تری را شروع کرده‌اند مستقیماً تأثیر می‌گذارد.

چند مؤلفه دیگر را هم باید اشاره کرد:

مردم روحیه نیروهای سرکوب را در خیابان دیده‌اند و بعدتر با افشای صحبت فرماندهان سپاه با خامنه‌ای عمق و دامنه آن را بیشتر متوجه شدند. شکاف‌های درون حکومت که ناشی از شکست‌های بی‌دری در مقابل مردم

است هر روز بیشتر و عمیق‌تر شده است، تعداد قابل توجهی از آیت‌الله‌های حوزه‌های علمیه رسماً و بعضاً خیلی تند دارند خامنه‌ای را افشا می‌کنند، ناتوانی دولت رئیسی به انتقادات و افشاگری‌های زیادی توسط بخشی از حکومتیان منجر شده است، حتی فرماندهان سپاه در حضور خامنه‌ای علیه رئیسی صحبت کردند، بسیاری از چهره‌های حکومتی و آیت‌الله‌ها به سیاست‌های مربوط به حجاب و مسمومیت‌های شیمیایی اعتراض می‌کنند. در رابطه با غرب نیز فعلاً برجام شکست‌خورده و تحریم‌ها ادامه دارد و حکومت بیش از هر زمان ایزوله شده است. بحران اقتصادی هم لاعلاج است و کوچک‌ترین دورنمایی برای تخفیف بحران وجود ندارد. حتی نیروهای سرکوب را هم نمی‌تواند از نظر اقتصادی تأمین کند. لایه‌های بیشتری به فقر کشیده می‌شوند و زندگی‌شان سقوط می‌کند. حتی اگر انقلابی در کار نبود، اگر لشکر گسترده بی‌حجابان هم



جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، قاتل آنهاست!

رژیم جنایتکار
جمهوری اسلامی باید در
سراسر جهان بایکوت شود.

تحولات اوضاع سیاسی و تعمیق بیشتر انقلاب مصاحبه با شهلا دانشفر در برنامه خط رفاه در تلویزیون کانال جدید



سازماندهی قرار دارد و می‌بینیم که این فراخوان‌ها جواب می‌گیرند. یعنی درست در شرایطی که گفتند انقلاب فروکش کرده، جامعه با ابزار سازمان‌یافته خود جلو آمد و با فراخوان‌هایش خون تازه‌ای در شریان انقلاب جاری شد. در کنار این شکل‌ها بخش‌های مختلف جنبش کارگری و در عرصه‌های مختلف مبارزاتی همه سازمان‌یافته ابزار وجود سیاسی می‌کنند. منشور خواست‌های حداقلی بیست شکل ثمره چنین درجه‌ای از سازماندهی مبارزه در سطح جامعه و تعیین‌یافتگی خواست‌ها و مطالباتش است و این خود پیشروی دیگری در انقلاب است. به عبارتی منشور بیست شکل و منشور خواست‌های پیشرو زنان که به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن انتشار یافت در کنار یکدیگر چتری برای اتحاد مبارزاتی همه مردم است که بازتاب آن را در شعارهای شبانه و روزانه و در اعتراضات خیابانی می‌بینیم و بالاخره ما با یک جنبش قدرتمند دادخواهی روبرویم که خود یک ستون محکم انقلاب است و با قدرت مقابل حکومت ایستاده و پیشروی‌های مهمی داشته است. از جمله خانواده‌های جان‌باختگان انقلاب در کنار مادران خاوران و جان‌باختگان آبان ۹۸ خانواده‌های قربانیان هوایمی اکرایی همه‌وهمه یک شبکه متشکل و سازمان‌یافته دادخواهی را شکل داده و جلوآمده و می‌گویند نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم. وقتی به این پیشروی‌ها نگاه می‌کنیم می‌بینیم که چه انقلاب همه‌جانبه‌ای جاری است. اینها همه پیشروی‌های انقلاب است و بازپس‌گرفتنی نیست و مضمون رادیکال، چپ، انسانی و ضد مذهب انقلاب زن زندگی آزادی را بیان می‌کند.

حسن صالحی: اگر نگاهی به سیر حرکت انقلاب داشته باشیم ابتدا شاهد به میدان آمدن جمعیت‌های بزرگ مردمی به خیابان بودیم. در اواخر دی‌ماه و بهمن‌ماه شاهد فروکش کردن انقلاب در خیابان و تداوم آن در اشکال دیگر بودیم و از اسفندماه ۱۴۰۱ شاهد بالاگرفتن دوباره جنب و جوش‌های اعتراضی در کف خیابان هستیم. شما اوضاع را چگونه می‌بینید؟ آیا می‌شود از تحولات تازه‌ای در روند انقلاب صحبت کرد؟

شهلا دانشفر: به باور من از اواخر سال ۱۴۰۲ به اعتبار همه مثال‌هایی که زده شد انقلاب وارد فاز جدیدی شده است. انقلاب لحظاتی با مکث کوتاهی فکر کرد و نیرویش را جمع کرد برای اینکه بتواند با اتکا به پیشروی‌هایش پرشی به جلو داشته باشد. از همین رو وقتی از همین اسفندماه ۱۴۰۱ به اوضاع جامعه نگاه می‌کنیم می‌بینیم که چگونه بخش‌های مختلف جامعه با اولتیماتوم دادن‌ها، با تأکید بر خواست‌ها و تأکید بر ادامه انقلاب به استقبال سال ۱۴۰۲ می‌روند. ما هشت مارس باشکوه و رقص تاریخی دختران اکباتان را داشتیم که زیبا و حماسه بود و ارتباط بلافصل این روز را به انقلاب زن زندگی آزادی نشان داد. ما کارزار دفاع از دختران اکباتان در برابر تعرض به آنان را داشتیم. رقص مختلط زنان و مردان در چهارشنبه‌سوری و در نوروز و حجاب سوزان با فریاد شعارهای ضد حکومتی را داشتیم که به نوعی قدرت دوگانه در جامعه را به نمایش می‌گذاشت و یا حتی مراسم‌های یادمان جان‌باختگان انقلاب را نگاه کنید. از جمله در همین هفدهم فروردین در زیباشهر در گرامیداشت یاد حمیدرضا روحی دیدید چه ولولهای از اعتراض به راه افتاد. در دنیا بی‌سابقه است که مردم با شعار مرگ بر حکومت سال جدیدشان را تحویل بگیرند. ما وقتی همه اینها را کنار هم می‌گذاریم می‌بینیم که جمعیت معترض مردم در چنین اشکالی دارد دوباره به میدان می‌آید. منتهی سازمان‌یافته و متحد. به این ترتیب کسی دیگر

حسن صالحی: هفت ماه از انقلاب زن زندگی آزادی می‌گذرد. جا دارد نگاهی مختصر به پیشروی‌های این انقلاب و تحولاتی که امروز در روند آن به چشم می‌خورد و نیز موقعیت جنبش کارگری داشته باشیم. شهلا دانشفر قبل از هر چیز و برای ورود به این بحث اولین سؤال از شما این است که دستاوردهای تا کنونی انقلاب به نظر شما چه بوده است؟

شهلا دانشفر: انقلاب تا همین‌جا پیشروی‌های مهمی داشته است. مهم‌ترین آن فتح سنگر حجاب است. آخرین ضربه در بیست و ششم فروردین در روز فراخوان به بی‌حجابی سراسری بر حکومت وارد شد. این انقلاب در واقع با حمله حکومت به جامعه با چماق حجاب شعله‌ور شد. بر سر این موضوع مهسا امینی به قتل رسید و جامعه یکپارچه خشم و اعتراض شد. حجاب‌سوزان‌ها شد. الان دیگر بحث لغو عملی حجاب و رسمیت دادن به بی‌حجابی به قدرت انقلاب است. حکومت برای بازپس‌گرفتن این سنگر حتی با درجه‌های عقبنشینی تلاش بسیاری کرد و جنگید. رادان فرمانده کل نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی آمد و از اجرای طرح "کنترل هوشمند" بی‌حجابی و "بدحجابی" و اعمال مجازات‌های تازه در این رابطه از روز ۲۶ فروردین خبر داد و جامعه قاطعانه ایستاد و به بی‌حجابی سراسری برای همین روز فراخوان داد و محکم به دهان این فرمانده جنایت‌کار جمهوری اسلامی کوبید. به این ترتیب جامعه از آغاز سال ۱۴۰۲ در واقع عزم جزم خود را برای سرنگونی حکومت با فریاد مرگ بر دیکتاتور اعلام داشت. در همین ایام نوروزی با رقص مختلط زن و مرد در کف خیابان میداین بسیاری از شهرها به تصرف مردم در آمد. نیروهای گشت را بیرون انداختند و بساط آپارتهای جنسی حکومت را زیر پا له کردند و مهر خود را کوبیدند. به این ترتیب فتح سنگر حجاب و به زیر کشیدن دیوار جداسازی جنسیتی پیشروی‌های مهم انقلاب است.

از سوی دیگر به درست ما گفتیم این انقلاب یک رنسانس فکری و فرهنگی و ضد مذهب است و طی این هفت ماه شاهد این هستیم که مردم تمام ارکان هویتی و مذهبی حکومتی را به چالش کشیده و در این زمینه پیشروی‌های بزرگی داشته‌ایم. همه مقدسات و نمادهای مذهبی - تبلیغی حکومت زیر پا گذاشته شده و بر زمین کوبیده شده است. حکومت همیشه فریادش از اینکه اسلام رفت و نظام رفت بلند بود و امروز انقلاب نشان می‌دهد که به طور واقعی در جامعه چه غوغایی است و چه خبر است.

پیشروی دیگر انقلاب بازتاب جهانی آن و ابراز نفرت علیه حکومت در سطح جهان است که دستاورد مهمی است که ما را جلو تر می‌برد.

پیشروی دیگر سازمان‌یافتگی انقلاب است. خود حکومتیان در جلسه فرمانداران سپاه با خامنه‌ای از پانزده هزار گروه محله محور و پانصد شبکه اطلاع‌رسانی مردمی خبر دادند. اما واقعیت از این فراتر است. کلاً حرکت سراسری ای مثل آنچه روز ۲۶ فروردین شاهد بودیم روشن است که خودبه‌خود خلق نمی‌شود. فراخوان‌های پنجاه و دو شکل به روزهای اعتراضی ای چون بیست و هفتم بهمن و سه روز اعتراض در چهارشنبه‌سوری و هشت مارس و غیره که از سوی تشکل‌های دانشجویی و دادخواه و زنان و دانش‌آموزان داده شد نیز خودبه‌خودی نبوده است و پشتش

تحولات اوضاع سیاسی و تعمیق بیشتر انقلاب

ادامه از صفحه ۱۱

متظر فراخوان نیست و فراخوان اصلی جامعه انقلاب تا سرنگونی جمهوری اسلامی است. مردم در بخش‌های مختلف نیروی خود را جمع و جور کرده‌اند و برای اجرایی کردن فرامین انقلاب دارند سازمان‌یافته به خیابان می‌آیند. در کنار چنین اتفاقاتی است که فریاد معیشت، منزلت، حق مسلم ماست از سوی جامعه بلند است و تبلور آن را امروز در مبارزه بر سر دستمزد شاهدیم. حرف مشخص کارگران این است که شورای عالی کار و تصمیم‌گیری از بالای سر خود را قبول ندارند. به زندگی در فقر و فلاکت و به اختلاس‌ها اعتراض دارند و بازتاب آن را از جمله در سخنرانی‌های نمایندگان کارگران نیشکر هفت‌تپه ابراهیم عباسی و یوسف بهمنی در شوش می‌توان دید. به این شکل ما شاهد جنبشی قدرتمند برای معیشت و برای یک زندگی انسانی هستیم که بازنشسته، معلم، پرستار، کارگر نفت و مراکز مهمی مثل هفته تپه نیروی اصلی آن هستند. از جمله بار دیگر یکشنبه‌های اعتراض راه افتاده و در شهرهایی مثل اهواز، شوش و شوشتر بازنشستگان با راهپیمایی اعتراضی خود خیابان‌ها را از آن خود می‌کنند. اعتراض علیه فقر و گرانی یکی از موضوعات اصلی انقلاب بوده و فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی شعار کف خیابان مردم است. در چنین شرایطی روشن است که تجمعات اعتراضی کارگری تبدیل به سیل جمعیت معترض مردم در کف خیابان‌ها خواهد شد و ظرفیت آن را دارد که به سرعت به سوی قیام‌های شهری حرکت کند. از جمله از آن طرف مسئله حجاب را داریم. از سوی حمله شیمیایی به مدارس است و از سوی دیگر مسئله معیشت و اعتراض علیه فقر و گرانی است و ما شاهد ورود بخش‌های مختلف کارگری به اعتراض هستیم. همه بخش‌های کارگری در تدارک اجرایی کردن اولتیماتوم‌های اعتراضی‌شان هستند. برای مثال هشتم فروردین اولین حرکات اعتراضی معلمان در سال جدید بود. این نفرت‌انگیز است که حکومت چون زورش به حجاب نرسیده مدارس دخترانه را هدف حملات شیمیایی قرار داده است. اما مردم جواب حکومت را به محکمی دادند. از جمله به خیابان آمدن انبوه جمعیت معترض در شاهین شهر و به دنبال آن در اهواز و اعتصاب عمومی در سقز و پایین کشیدن پرچم جمهوری اسلامی در این شهر اختطاری به حکومت بود. این اعتراضات نشانگر این است که حملات جنایت‌کارانه حکومت نیز خود باروتی از خشم و اعتراض مردمی برای شکل گرفتن اعتراضات در شهرهای مختلف است. این اتفاقات نشانگر سیر تحولات سیاسی جامعه است. در این شرایط است که کارگران نفت و ذوب‌آهن اولتیماتوم به اعتصاب داده‌اند و بخش‌های مختلف کارگری در اعتراض‌اند و باز می‌بینید جنبش کارگری که خود نقش کلیدی‌ای در کشیده شدن اوضاع به شرایط انقلاب را داشته با قدرت دارد به میدان می‌آید. این انقلابی است که به کل بساط صدساله ستم و استثمار در جامعه می‌خواهد پایان دهد و در منشور خواست‌های حداقلی بیست و یک شکل با صدای رسا اعلام شده است.

حسن صالحی: امروز دو موضوع جنگ بر سر حجاب و در کنار آن حملات شیمیایی به مدارس به موضوعات اصلی نبرد با رژیم تبدیل شده است. اینها نمودهای دیگری از تداوم انقلاب هستند. زنان با اعتراض علیه حجاب دارند به نفس وجود جمهوری اسلامی اعتراض می‌کنند و با اعتراضی که علیه حملات شیمیایی می‌شود، مردم جمهوری اسلامی را مسئول این حملات می‌دانند و این اعتراضات دارد هر روز گسترده‌تر شده و حتی به اعتراضات خیابانی شکل داده است. جایگاه این دو جبهه نبرد در روند انقلاب چیست؟

شهلا دانشفر: این دو جبهه نبرد به هم مربوط‌اند. مردم می‌دانند. کارگر می‌داند که حجاب یعنی جمهوری اسلامی و حمله به زنان تحت عنوان حجاب یعنی

قدری حکومت برای عقب زدن اعتراضات مردمی و چپاول و غارت کل جامعه. به همین دلیل روز اعتراض سراسری بی‌حجاب روز اعتراض همه مردم است. اعتراضی علیه آپارتاید جنسی حاکم است و کارگران بخشی از همان مردمی هستند که در کف خیابان زن و مرد با هم می‌رقصند و در مقابل تفکیک جنسیتی حکومت می‌ایستند. شهروندانی هستند که دخترانشان، همسرانشان در اعتراض به این سیستم بردگی حجاب‌هایشان را سوزاندند و نه گفتند به جمهوری اسلامی و نیز همان مردمی هستند که در پرتو حمایت آنها حجاب‌ها به آتش کشیده شد. شهروندانی که جانشان از فقر و بردگی به لب رسیده و می‌خواهند به کل این بساط توحش و بردگی پایان دهند. از سوی دیگر وقتی که بازنشسته به خیابان می‌آید و علیه گرانی و تورم و فقر و فلاکت جامعه شعار می‌دهد، خانواده‌های کارگری و همه آن مردمی که زندگی‌شان به خاطر فقر و بی‌تامینی به تباهی کشیده شده نیروهایی هستند که به چنین اعتراضاتی می‌پیوندند. از جمله مسئله دستمزد ۵ میلیونی یعنی تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به کل جامعه که جمعیت میلیونی کارگران شاغل و بازنشسته و خانواده‌هایشان را در بر می‌گیرد؛ بنابراین وقتی چنین اعتراضاتی به خیابان کشیده می‌شود، ظرفیت جلب بیشترین همبستگی مردمی را دارد و این نیرو صف عظیم انقلاب را تشکیل می‌دهد. به عبارت روشن‌تر اعتراض علیه حجاب، اعتراض علیه حملات شیمیایی به مدارس و سرکوبگری‌ها و جنایات حکومت، جنبش دادخواهی و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و اعتراض علیه فقر و گرانی همه‌وهمه موضوعات مشترک اعتراض جامعه هستند که حلقه پیوند همه آنها خواست سرنگونی است و ظرفیت پیوستن به یکدیگر را دارند. این در واقع صف انقلاب زن زندگی آزادی است که رهبران خود را دارد. اکتیویست‌های خود را دارند. نهادها و تشکل‌های خود را دارد و هر روز قدرتمندتر جلوآمده و می‌خواهد از شر جمهوری اسلامی رها شود. از جمله تصادفی نیست که ما منشور خواست‌های حداقلی ۲۰ تشکل از کارگران، بازنشستگان، معلمان، زنان و نهادهای مردمی را داریم. منشوری که با حمایت بخش‌های دیگر جامعه چون دانشجویان و خانواده‌های دادخواه روبرو شد. چنین منشوری اتصال و پیوند مبارزاتی بخش‌های مختلف جامعه به یکدیگر را نشان می‌دهد؛ بنابراین عرصه‌هایی که اشاره کردید کاملاً به هم مربوط‌اند و وقتی ما سنگر حجاب را فتح کردیم ضربه‌ای است به حکومت که به جنبش کارگری و به کل انقلاب قدرت می‌بخشد.

پیشروی‌های ما در هر کدام از عرصه‌های مبارزه دستاوردی برای پیشروی بیشتر انقلاب است. در مقابل ضعف و استیصال حکومت را مشاهده می‌کنیم و دیدیم که در جلسات فرماندهان سپاه با خامنه‌ای چه گفتند. به باور من امروز از آن مقطعی که در دی‌ماه آن صحبت‌ها را داشتند، جنبش سرنگونی جلوتر است. جالب این است که گفتمان‌های انقلاب آن‌چنان رادیکال، چپ و آزادی‌خواهانه است که دنیا را مبهور کرده است. در این انقلاب دیگر جایی برای گفتمان تمامیت ارضی و اینکه ارتش و یا سپاه را نگاه داریم و یا مبادا به دین گزند برسد، نمانده است. مردم می‌گویند بساط سپاه و تمام نیروهای سرکوب باید جمع شوند. مردم می‌گویند کردستان، زاهدان چشم‌چراغ ایران و شعار بژی آذربایجان، یاشاسین کردستان را دادند و این انقلاب ذره‌ای رنگ قومی و ملی ندارد؛ بنابراین می‌بینیم که انقلاب چگونه در کف خیابان با حکومت و با راست عظمت طلب ارتجاعی و با هر نیرویی که بخواهد مسیر آن را به انحراف بکشد مقابله می‌کند و قاطعانه جلو می‌آید و می‌گوید معیشت، منزلت حق مسلم ماست.

حسن صالحی: خوب همین شعار معیشت، منزلت، حق مسلم ماست که در واقع شعار جنبش کارگری است. بگذارید گذری هم به جنبش کارگری داشته باشیم و نقشی که می‌تواند در روند انقلاب ایفا کند. از اواخر سال گذشته، به‌ویژه بعد از تصمیمی که شورای عالی کار بر

تحولات اوضاع سیاسی و تعمیق بیشتر انقلاب

ادامه از صفحه ۱۲

سر میزان حداقل دستمزدها گرفت که بسیار ظالمانه بود اعتراضات گسترش یافت. روزی نیست که اعتراضی نباشد و برای مثال بازنشستگان مدتی است در اعتراض اند. من جمله بازنشستگان مخابرات در روزهای اخیر اعتراضاتی داشتند. بخش‌های مختلف نفت و جاهای دیگر اولتیماتوم می‌دهند. الان این اعتراضات کارگری در چه موقعیتی قرار دارد و چگونه می‌تواند باتوجه به سنگرهایی که فتح کردیم به روند پیشروی انقلاب بیشتر خدمت کند؟

شهلا دانشفر: ما برای پیشروی انقلاب بر دو نکته تأکید کردیم یکی جمعیت وسیع مردمی در خیابان‌ها که جامعه به آن سو در حرکت است. اعتراضات خیابانی و پرفورمنس‌های خیابانی دارد گسترش پیدا می‌کند و خود جنبش کارگری بخشی از این نیرو است که هر روز بیشتر دارد به خیابان می‌آید. از جمله پرستاران هستند. بازنشستگان هستند و تجمعات اعتراضی کارگری در این مرکز و آن مرکز کارگری هر روزه در جریان است. گستردگی این اعتراضات تحرکاتی در شهرها ایجاد کرده است و این اعتراضات به اختلاس هاست، به فقر و تبعیض است و علیه کل سرمایه‌داری حاکم است. می‌گویند این حکومت از بالا تا پایین فاسد است و اینها همه بحث‌های سخنرانی‌ها و بیانیه‌های کارگری است. این گونه است که کارگر دارد مهر خود را به این انقلاب می‌کوبد. از سوی دیگر وقتی کارگران در چنین ابعادی وارد اعتراض می‌شوند، وقتی اعتراضات در این سطح در جامعه گسترده است، زمینه برای اعتصابات سراسری و ایفای نقش قدرتمندتر جنبش کارگری فراهم‌تر می‌شود. ما همیشه بر روی اعتصابات سراسری کارگری تأکید داشته‌ایم و به نظر من سیر تحولات به آن سو در حرکت است. ما تأکید کردیم و گفتیم که سال ۱۴۰۲ سال اعتصابات سراسری کارگری خواهد بود و به نظر من داریم به آن سو می‌رویم. از جمله اخطارها و اولتیماتوم‌های کارگران نفت به شروع اعتصاباتشان دارد این را بیان می‌کند و اینها مقدمات و پیش‌زمینه‌های چنین اتفاق عظیمی است. به این شکل است که جنبش کارگری که با عروج خود همواره گفتمان‌های رادیکال و انسانی و چپ را جلو آورده، آلت‌ناتیو شورایی را مقابل جامعه قرار داده و در کشاندن اوضاع به شرایط انقلاب نقش داشته، امروز نیز در متن پیشروی‌های انقلاب و اوضاع‌واحوال کنونی نقش بسیار مهمی دارد و ما داریم وارد چنین فازی از تحولات سیاسی می‌شویم. فاز اعتراضات و تجمعات بزرگ پر جمعیت در خیابان‌ها و اعتصابات سراسری. به این معنا که اعتراضات بخش‌های مختلف

جنبش کارگری و اعتصابات سراسری به اعتراضات کل جامعه قدرت می‌بخشد. به این دلیل ساده که حکومت اسلامی را از نظر اقتصادی و کنترلش بر جامعه فلج می‌کند. آن وقت توجه کنید که سنگر حجاب فتح شد، اقتصاد فلج شد، مردم از هر سو حکومت را زیر محاصره اعتراض خود درآورده‌اند و در سطح دادگاه‌های بین‌المللی صدای مردم برای محاکمه سران این حکومت بلند شد، ببینید چه خبر می‌شود. چطور که همین الان شماری از وکلا و فعالین اجتماعی طی بیانیه‌ای اعلام کرده‌اند که اگر حملات شیمیایی به مدارس ادامه یابد موضوع را به دادگاه‌های بین‌المللی خواهند کشید. یعنی جامعه ایران دارد خود را برای محاکمه سران جنایت‌کار حکومت در دادگاه‌های بین‌المللی آماده می‌کند.

همه اینها نشان می‌دهد که ما در چه موقعیتی هستیم و جنبش کارگری در این شرایط چه نقشی می‌تواند ایفا کند.

حسن صالحی: به‌عنوان آخرین سؤال چشم‌اندازی که شما در افق می‌بینید چیست؟

شهلا دانشفر: من به اوضاع بسیار خوش بینم. با این پیشروی‌ها و با این موقعیت و با این روندی که داریم طی می‌کنیم به نظر من جمهوری اسلامی به‌زودی سرنگون می‌شود. زمان این سرنگونی را هیچ‌کس نمی‌تواند پیش‌بینی کند و بگوید چه روزی است. ولی روند و چشم‌انداز را می‌توانیم ببینیم و باید به این باور کنیم. نیرو و قدرت انقلاب را به رسمیت بشناسیم. از جمله ما توانستیم با فشار انقلاب تعدادی از زندانیان را آزاد کنیم. به نظر من سال ۱۴۰۲ سال باز کردن در زندان‌هاست. درعین حال محاصره وسیع حکومت و بایکوت و محاکمه آن در سطح بین‌المللی به‌خاطر همه جنایاتش در چشم‌انداز نزدیک است. روشن است که اوضاع خودبه‌خود به آن سو نمی‌رود. ولی باید با تئوری روشن از این اوضاع و به رسمیت شناختن نیرو و قدرت خود سازمان‌یافته و متحد سراسری جامعه را به آن نقطه ببریم. اعتصابات سراسری سازمان‌یافته، سازمان‌یابی شوراهای اعتراضات در تمام شهرها و در تمام مراکز کارگری و تبدیل مناسبی چون روز جهانی کارگر به یک روز قدرت‌نمایی بزرگ انقلاب قدم‌های مهمی هستند که می‌تواند ما را به آن سویی ببرد که شاهد قیام‌های شهری باشیم و بتوانیم در کنار تجمعات بزرگ و اعتصابات سراسری‌مان ضربه‌ای کاری بر پیکر جمهوری اسلامی بزنیم.

حسن صالحی: شهلا دانشفر ممنونم که در این گفتگو شرکت کردید.



جامعه
به هم
وصل
است
و

حکومت مفتخوران و جنایتکارانی که قادر به تامین ساده‌ترین نیازهای مردم نیست باید به گور سپرده شود!



اطلاعی‌های حزب کمونیست کارگری ایران در هفته اخیر

خیزش‌های مردمی: اطلاعی‌ه شماره ۳۸۵

تجمع مردمی علیه حملات شیمیایی به مدارس در شاهین شهر

مرگ بر حکومت کودک‌کش

امروز ۲۶ فروردین خانواده‌های دانش‌آموزان و مردم شهر شاهین شهر بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده در اعتراض به حملات شیمیایی حکومتیان به مدارس دخترانه مقابل اداره آموزش و پرورش این شهر تجمع کردند و شعارهای ضد حکومتی سر دادند. نیروهای سرکوب بلافاصله در محل حاضر شده و با گاز اشک‌آور اقدام به متفرق کردن جمعیت کردند. اما مردم معترض در محل باقیمانده و با کف‌زدن و فریاد مرگ بر دیکتاتور و بی‌شرف، بی‌شرف و سردادن شعار ترسید، ترسید، ما همه با هم هستیم به تجمع اعتراضی خود ادامه دادند. تجمع‌کنندگان شعار می‌دادند: "حکومت کودک‌کش، نمی‌خوایم، نمی‌خوایم"، "مرگ بر دیکتاتور" و "هیز تویی هرزه تویی...". مردم شاهین شهر با این حرکت اعتراضی خود راه مؤثر مقابله با سیاست جنایت‌کارانه تروریسم شیمیایی حکومت علیه دانش‌آموزان را به نمایش گذاشتند و الگویی برای همه شهرها شدند.

بنا بر خبر دیگری امروز یکی از مدارس دخترانه در شهر قدس مورد حمله شیمیایی قرار گرفت و پس از آن دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان دست به تجمع زده و شعارهای اعتراضی سر دادند.

حملات شیمیایی به مدارس یکی از شنیع‌ترین و جنایت‌کارانه‌ترین سیاست‌های تروریستی حکومت آدم‌کش اسلامی است و خشم و نفرت همه مردم علیه این حکومت منحوس ضد مردمی را برانگیخته است. باید علیه حملات شیمیایی به مدارس در سطح سراسری به پا خاست و همچون شاهین شهر در تمام شهرها در مقابل آموزش و پرورش و مدارس تجمع و اعتراض کرد. یک پاسخ محکم به این جنایت وحشیانه حکومت اعتصاب سراسری معلمان و دانش‌آموزان و تعطیلی مدارس و تجمعات اعتراضی گسترده است. مسئله بر سر جان و زندگی کودکان ماست. نباید آنها را به مدرسه فرستاد. تا وقتی این حملات ادامه دارد باید به اعتصاب ادامه داد. حملات شیمیایی به مدارس آتشی دیگر بر خشم مردم برای ادامه انقلاب زن‌زندگی آزادی زده است. حکومت جنایت‌کار و کودک‌کش جمهوری اسلامی باید گورش را گم کند و برود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ فروردین ۱۴۰۲، ۱۵ آوریل ۲۰۲۳

خیزش‌های مردمی: اطلاعی‌ه شماره ۳۸۶

۲۶ فروردین: روز بی‌حجابی سراسری

امروز ۲۶ فروردین روز اعتراض به طرح جدید حجاب حکومتی تحت عنوان طرح "تذکر لسانی" است. فراخوان اعتراض سراسری به این طرح از سوی شماری از تشکل‌ها و جمع‌های دانشجویی داده شده است. در پاسخ به این فراخوان دانشجویان دانشگاه‌ها از جمله در امیرکبیر، پلی‌تکنیک و خوارزمی بدون حجاب در کلاس‌های درس حاضر شدند. در جلوی درب ولیعصر پلی‌تکنیک نیز از صبح این روز نیروی سرکوب بسیاری مستقر شده و پوشش دختران دانشجو را کنترل می‌کردند و هم‌زمان همین وضعیت در

"درب سعید" دانشگاه با دانشجویان امیرکبیر برقرار بود.

همچنین در تصاویر منتشر شده در مدیای اجتماعی از تهران و رشت و دیگر شهرها زنانی را می‌بینیم که بی‌حجاب به خیابان آمده و با پیاده‌روی جمعی به این روز اعتراضی پیوسته‌اند. بعلاوه کلاً نداشتن حجاب به پدیده‌ای اجتماعی تبدیل شده و بخش اعظم زنان حجاب ندارند و نداشتن حجاب یک شکل سراسری مبارزه علیه آپارتاید جنسی و حجاب اجباری و کلاً حکومت اسلامی است.

در اعتراض به حجاب اجباری همچنین ۹۰ تن از فعالین مدنی، سیاسی، حقوق بشری و خانواده‌های دادخواه داخل کشور بیانیه‌ای داده‌اند که در بخشی از آن چنین آمده است: "حماسه‌ای که در ماه‌های اخیر با شعار "زن" "زندگی" "آزادی" آفریدید، در تاریخ مبارزات ایرانیان بر ضد استبداد مذهبی و دیکتاتوری، ماندگار، و سرنوشت ملت را به سوی آزادی و دموکراسی رهنمون گردید، این بار بجای هشدار به سران حکومت خودکامه‌ای که از دین ابزاری برای سرکوب آزادی ساخته است، شما ملت قهرمان ایران را مخاطب قرار داده، و با شما هم‌پیمان می‌شویم که در حفظ و پاسداری از آزادی در انتخاب پوشش و شادی عمومی که با اینار خون و جان و تحمل زندان و شکنجه و اعدام به‌دست آمده، و اولین دستاورد ارزشمند "قیام" مهسا است، تا رسیدن به آزادی و دموکراسی تا پای جان بکشیم... ما برای تحقق شعار "زن، زندگی، آزادی"، و رسیدن به جامعه‌ای آزاد و سالم و مرفه مبارزه خواهیم کرد، و در پاسخ به تهدیدات نیروهای سرکوبگر تأکید می‌کنیم که از صبح شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۲ در کنار بانوان ایرانی برای آزادی پوشش خواهیم بود، و پاسخ توهمین به بانوان نیک‌سرشت ایرانی دفاع مشروع است، و عواقب آن به عهده رژیم می‌باشد. ضمناً از باورمندان گرامی حجاب می‌خواهیم؛ صف خود را از سرکوبگران جدا کنند، تا در ننگ و شرمساری حکومت شریک نشوند. زن، زندگی، آزادی."

در ادامه طرح جدید حجاب اجباری خبرها از پلمب ۷ کافه و رستوران در سوادکوه به دلیل آنچه "رواج کشف حجاب و عدم رعایت شئون اسلامی" می‌خوانند، بودیم. طبق گزارشات حکومت در شهرهای مختلف تحت همین عنوان اقدام به تعطیلی کافه و رستوران‌ها و پلمب کردن مغازه‌ها کرده است. اما مردم در این مورد هم ساکت نیستند. جدالی سخت بین مردم و حکومت در جریان است. از جمله در آمل سه روز پیش در اعتراض به پلمب کردن یک کافه توسط مأمورین حکومتی، مردم بسیاری از زنان بی‌حجاب و مردان در مقابل کافه جمع شدند و با رقص مختلط خود جواب دندان شکنی به حکومت آپارتاید جنسی حاکم و حجاب اجباری دادند. مردم در پست‌های خود در مدیای اجتماعی نوشتند: "خیابان‌ها را نمی‌توانند پلمب کنید."

مقابله با حجاب یک عرصه مهم جنگ مردم با حکومت اسلامی و انقلاب زن‌زندگی آزادی است. حجاب پرچم حکومت اسلام و به گفته خود حکومتیان خاکریز اولشان است که توسط مردم فتح شده است و امروز حکومت می‌کوشد این سنگ را باز پس بگیرد. اما مردم این سمبل تحقیر زنان و کل بساط آپارتاید جنسی حاکم را به چالش کشیده و جنگی سخت در خیابان و دانشگاه و در محل کار و همه‌جا جاری است. حکومت آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی را با کل قوانین ارتجاعی اسلامی و دستگاه سرکوب و جنایتش باید به زباله‌دان تاریخ سپرد. زنده‌باد انقلاب زن، زندگی، آزادی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ فروردین ۱۴۰۲، ۱۵ آوریل ۲۰۲۳

خیزش های مردمی: اطلاعیه شماره ۳۸۷

خیزش های مردمی: اطلاعیه

ادامه حملات شیمیایی به مدارس و مقابله شدید مردم

امروز ۲۶ فروردین در چندین شهر دانش آموزان در مدارس مختلف هدف حملات شیمیایی قرار گرفته و ده ها دانش آموز در هر کدام از این شهرها در اثر مسمومیت به بیمارستان انتقال پیدا کردند. از جمله در سنندج در هنرستان فنی دخترانه خدیجه کبری و دبیرستان دخترانه شرافت در محله چهار دیوار این شهر، دانش آموزان مورد حملات شیمیایی حکومتیان قرار گرفته و ده ها تن از دانش آموزان این دو دبیرستان به دلیل استنشاق گازی با بوی پرتقال گندیده دچار تنگی نفس، آبریزش بینی و چشم و حالت تهوع شدند. طبق خبرها دست کم ۱۵ تن از دانش آموزان به دلیل وخامت حال به بیمارستان توحید منتقل شدند که اسامی آنها عبارتند از: آسو مرادی، مهنا گلی، هلن بهمنی، شیلا محمدی، اسرا صفایی، سارینا رستمی، سارینا نجفی، زریان احمدی، الینا محمدی، نارین فتاحی، نازنین مجیدیان، آدین صادقی، سوگند صادقی، زهرا پاکدل، زریان سبحانی

علاوه بر سنندج امروز دانش آموزان در تاکستان قزوین در دبیرستان دخترانه یاس نی، در ایذه در مدرسه پروین اعتصامی، در مهاباد در مدرسه دخترانه شافعی و مدرسه دخترانه روستای بالاچ از توابع بخش مرکزی ارومیه مورد حملات شیمیایی حکومتیان قرار گرفتند. حال تعدادی از دانش آموزان مسموم شده و خیم گزارش شده است.

بنا بر خبر دیگری که قبلاً گزارش کردیم امروز یکی از مدارس دخترانه در شهر قدس مورد حمله شیمیایی قرار گرفت و پس از آن دانش آموزان و خانواده هایشان دست به تجمع زده و شعارهای اعتراضی سر دادند. قبلاً نیز در ۲۲ فروردین دانش آموزان در ۲۸ مدرسه در یازده شهر تبریز، ارومیه، اشنویه، شاهین شهر، اصفهان، کرج، گناوه، تهران، زنجان، کامیاران، کرمانشاه، بروجرد، مورد حمله شیمیایی قرار گرفتند و تنها در شهر شاهین شهر این حملات در یازده مدرسه انجام گرفت.

گسترده گی این حملات و این تروریسم حکومتی، پاسخ سراسری و قاطع ما مردم را می طلبد. همان پاسخی که مردم در شهر سقز دادند و با اعتصاب عمومی خود محکم در برابر این اقدام جنایت کارانه حکومتیان ایستادند و پرچم جمهوری اسلامی را پایین کشیدند باید به الگویی در سراسر کشور تبدیل شود. اعتراضات وسیع است. امروز در شهر شاهین شهر نیز خانواده های دانش آموزان در همراهی با مردم مقابل آموزش و پرورش تجمع کردند با فریاد شعارهای "صدسال جنایت، مرگ بر این ولایت"، "مرگ بر حکومت کودک کش"، "مرگ بر دیکتاتور" جواب حکومتیان را به سختی دادند و حماسه آفریدند. همچنین طومارهای اعتراضی بسیاری از سوی بخش های مختلف جامعه علیه این سیاست جنایت کارانه حکومت انتشار یافته است و در تبریز دانشجویان علوم پزشکی در پرفورمنسی، اعتراض خود را به حملات شیمیایی در مدارس اعلام کردند. همچنین طبق گزارشات پرشنگ رنجبری، مدیر دبیرستان دخترانه متوسطه معراج سقز در اعتراض به حملات شیمیایی به مدارس و همچنین عدم شناسایی عاملان این جنایت از سمت خود استعفا داد. اعتصاب سراسری معلمان و دانش آموزان در تمام شهرها و تعطیلی مدارس و تجمعات و اعتراض و تظاهرات، پاسخ فوری برای نجات عزیزانمان است. با تجمع در مقابل مدارس و آموزش و پرورش در تمام شهرها باید کاری کرد که این اقدام جنایت کارانه حکومت برایش بسیار گران تمام شود و انقلابمان را گامی بزرگ تر به جلو ببریم. مرگ بر حکومت کودک کش!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ فروردین ۱۴۰۲، ۱۲ آوریل ۲۰۲۳

اعتصاب کارگران پتروپالایش پتروشیمی و پروژه گازی دهلران، تجمع پرستاران در سنندج و دو خبر دیگر

امروز ۲۶ فروردین کارگران شاغل در پتروپالایش پتروشیمی دهلران (دشت عباس) با خواست افزایش دستمزدها و مطالبه نوبت کاری ۲۰ روز کار ۱۰ روز استراحت دست از کار کشیدند. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت این کارگران علی رغم اعتراضاتی که داشتند و وعده های داده شده کماکان با نوبت کاری های ۲۴ روز کار و ۶ روز استراحت مجبورند کار کنند.

در این روز همچنین گروهی از کارگران شاغل در شرکت آی جی سی، پروژه گازی ان جی ال ۳۱۰۰ چشمه خوش دهلران در اعتراض به عدم دریافت حقوق بهمن و اسفندماه سال گذشته و همچنین عیدی پایان سال، دست از کار کشیده و در کارگاه این شرکت تجمع کردند.

خبر دیگر مربوط به تجمع پرستاران و کادر درمانی استان کردستان در اعتراض به سطح نازل حقوق ها، چگونگی تعرفه گذاری ها، فشار سنگین کاری و شرایط دشوار شغلی شان مقابل استانداری در سنندج است. پرستاران معترض شعار می دادند: "وعده وعید کافی، سفره ما خالیه".

در همین راستا قبلاً نیز پرستاران در شهرهایی چون قزوین، اراک، بابل و تهران تجمعاتی داشته و دور جدیدی از اعتراضات در میان پرستاران شکل گرفته است.

همچنین در این روز مراسم زادروز نیما نوری از جانباختگان انقلاب در آرامستان بهشت علی اشتهارد کرج برگزار شد. نیما نوری، نوجوان ۸ ساله در تاریخ دوازدهم آبان ماه در چهلمین روز گرامیداشت حدیث نجفی که توسط حکومت به قتل رسیده بود، به ضرب گلوله جان خود را از دست داد. جنبش دادخواهی یک عرصه مهم جدال با حکومت اسلامی است. مردم با گرامیداشت یاد جانباختگان انقلاب عزم خود را برای نابودی این حکومت آدمکش و تداوم انقلاب زن زندگی آزادی اعلام می کنند.

آخرین خبر حاکی از آزادی زینب زمان، فعال دفاع از حقوق زن با قید وثیقه از زندان اوین در تهران است. زینب زمان به صورت علنی از اعتراضات ماه های گذشته حمایت کرده بود. یک پیشروی مردم در انقلاب فشار آوردن به حکومت و آزادی شماری از بازداشت شدگان انقلاب و زندانیان سیاسی است. با قدرت انقلاب می توان در زندان ها را گشود و همه زندانیان را آزاد کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ فروردین ۱۴۰۲، ۱۵ آوریل ۲۰۲۳

خیزش های مردمی: اطلاعیه شماره ۳۸۸

راهپیمایی و تجمع بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز، تجمع مشترک بازنشستگان و کارگران نیشکر هفت تپه شوش، تجمع بازنشستگان فولاد البرز

زیر بار ستم نمی کنیم زندگی، جان فدا می کنیم در ره آزادی

امروز ۲۷ فروردین و در ادامه یکشنبه های اعتراض و با فراخوانی از قبل اعلام شده تجمع بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش در محوطه تأمین اجتماعی و راهپیمایی آنها با فریاد شعارهای اعتراضی شان تا اداره کار و سپس تجمع مشترک آنان با کارگران نیشکر هفت تپه در این محل علیه مصوبه مزدی

شورای عالی کار فضای پر شوری از اعتراض را در این شهر به وجود آورده بود. یک صحنه زیبای اعتراضی امروز در شوش خواندن سرود زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی از سوی جمعیت بزرگ کارگران معترض بود.

شوش می‌رود که به الگویی برای اعتراضات مردمی در تمام شهرهای تبدیل شود. در حرکت اعتراضی امروز بازنشستگان و کارگران نیشکر هفت تپه شعار می‌دادند: "فقط کف خیابان، به دست میاد حقمون"، "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه".

در این روز همچنین بازنشستگان تأمین اجتماعی در اهواز تجمع و راهپیمایی داشتند و با سردادن شعارهای اعتراضی و فریاد "گرانی تورم بلای جان مردم" فضای پر شوری از اعتراض را در شهر آفریدند.

امروز همچنین بازنشستگان فولاد منطقه البرز غربی در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و بی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان دست به تجمع زدند. خواست‌های مشترکی اعتراضات بخش‌های مختلف بازنشستگان را به هم پیوند می‌دهد.

اعتراض بازنشستگان به سطح نازل حقوق‌ها و بی‌تأمینی، دزدی‌ها و اختلاس‌ها و وضعیت بد معیشتی‌شان است. در همین راستا مصوبه مزدی شورای عالی کار که مبنایی برای سطح مستمری آنهاست یک موضوع اعتراض مهم آنهاست. همسان‌سازی حقوق‌ها و افزایش آن به بالای نرخ سبد هزینه معیشتی که امروز سی‌میلیونی است، درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن، پایان‌دادن به اختلاس‌ها و پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی و پایان‌دادن به امنیتی کردن مبارزات از جمله خواست‌های اعتراضی بازنشستگان است که در اعتراضاتشان بارها بر روی آنها تأکید کرده‌اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ فروردین ۱۴۰۲، ۱۶ آوریل ۲۰۲۳

خیزش‌های مردمی: اطلاعیه شماره ۳۸۹

تجمعات بازنشستگان مخابرات، تأمین اجتماعی، فولاد

ادامه حملات شیمیایی به مدارس و مردم خشمگین

امروز دوشنبه ۲۸ فروردین بازنشستگان مخابرات در شهرهایی چون کرمانشاه، اهواز و بجنورد در اعتراض به شرایط بد معیشتی و عدم اجرای خواسته‌هایشان مقابل ستاد مخابرات دست به تجمع زدند و با سردادن شعارهایشان و فریاد "گرانی، تورم، بلای جان مردم" پیگیر مطالباتشان شدند.

روز گذشته نیز بازنشستگان تأمین اجتماعی در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری خواست‌هایشان تجمع کردند و در شهرهایی چون شوش و اهواز با فریاد شعارهایشان دست به راهپیمایی زدند. این تجمعات در روز گذشته در شهرهایی چون بابل، شوش، اهواز، شوشتر، کرمانشاه، اصفهان، تبریز، برگزار شد. مصوبه مزدی شورای عالی کار همچنین یک موضوع اعتراض بازنشستگان است و بر محور این اعتراض روز گذشته بازنشستگان تأمین اجتماعی همراه با کارگران نیشکر هفت تپه تجمع اعتراضی بزرگ و با شکوهی داشتند و این می‌تواند الگویی در تمامی شهرها علیه این سرکوب مزدی حکومت باشد. در این اعتراضات بازنشستگان شعار می‌دادند: "حقوق ما ریالی، هزینه‌ها دلاریه"، "اجرای همسان‌سازی، بدون حقه‌بازی"، "گرانی تورم بلای جان مردم"، "صندوق خالی کردن ما رو بیچاره کردن"، "وعده وعید کافیه سفره ما خالیه".

در این روز همچنین بازنشستگان فولاد البرز غرب در ابهر نیز در اعتراض به گرانی و وضعیت اسفبار بیمه‌های درمان و عدم اجرای همسان‌سازی تجمع

داشتند. خواست‌های مشترکی اعتراضات بخش‌های مختلف بازنشستگان را به هم پیوند می‌دهد. اعتراض به فقر و گرانی سطح نازل حقوق‌ها، دزدی‌ها و اختلاس‌ها و وضع بد معیشتی محور مشترک اعتراضات همه آن و توده عظیم مردم است. اعتراض بازنشستگان به سطح نازل حقوق‌ها و بی‌تأمینی، دزدی‌ها و اختلاس‌ها و وضعیت بد معیشتی‌شان است. در همین راستا مصوبه مزدی شورای عالی کار که مبنایی برای سطح مستمری آنهاست یک موضوع اعتراض مهم آنهاست. همسان‌سازی حقوق‌ها و افزایش آن به بالای نرخ سبد هزینه معیشتی که امروز ۳۰ میلیونی است، درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن، پایان‌دادن به اختلاس‌ها و پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی و پایان‌دادن به امنیتی کردن مبارزات از جمله خواست‌های اعتراضی بازنشستگان است که در اعتراضاتشان بارها بر روی آنها تأکید کرده‌اند.

آخرین خبر مربوط به تداوم حملات شیمیایی توسط حکومتیان است. از جمله بنا بر خبرهای تا کنون امروز ۲۸ فروردین دانش‌آموزان مدرسه دخترانه نسیمیه در میدان کوهنورد شهر سنندج و چهار مدرسه هنرستان اندیشه، راهنمایی هفده شهریور، دبیرستان عصمت و خدیجه کبری در گیلان‌غرب مورد حمله شیمیایی قرار گرفته و دانش‌آموزان این مدرسه به مراکز درمانی منتقل شده‌اند. روز گذشته نیز از جمله دبیرستان‌های دخترانه یاس نبی و رسالت در قزوین، دبیرستان دخترانه علی ناصری در هر سین کرمانشاه، دبیرستان دخترانه طراوت در ارومیه و دبیرستان دخترانه قاسم سلیمانی در کرج مورد حمله شیمیایی قرار گرفتند و تعدادی از دانش‌آموزان این مدارس در بیمارستان بستری شده‌اند. ادامه حملات شیمیایی بر خشم و نفرت مردم شدت داده است. تجمع بزرگ خانواده‌های دانش‌آموزان و مردم در شهر شاهین‌شهر در روز گذشته با فریادهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر حکومت کودک‌کش و قبل از آن اعتراضات سه‌روزه مردم در سقز با اعتصاب عمومی و تجمع و پایین کشیدن پرچم جمهوری اسلامی، به مردم در تمام شهرها راه نشان می‌دهد. با اعتصاب سراسری به نجات جان فرزندانمان در مدارس بشتاییم و با تجمعات اعتراضی بزرگ پاسخ محکمی به این سیاست جنایت‌کارانه حکومت بدهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ فروردین ۱۴۰۲، ۱۷ آوریل ۲۰۲۳

خیزش‌های مردمی: اطلاعیه شماره ۳۹۰

اعتراضات پرستاران در پنج استان

امروز پرستاران در پنج استان کشور از جمله در قزوین در اعتراض به تخلف دولت در پرداخت تعرفه پرستاری دست به تجمع و اعتراض زدند. در این اعتراضات پرستاری می‌گویند که به‌ازای ۱۹۷ ساعت کار موظف و ۱۵۵ ساعت اضافه‌کاری فقط یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان تعرفه خدمات پرستاری گرفته است! عدم پرداخت کامل تعرفه‌های پرستاری سطح نازل حقوق‌ها و وضع بد معیشتی، فشار سنگین کاری و اضافه‌کاری‌های فشرده و اجباری، سطح پایین بهداشت در بیمارستان‌ها و اخراج‌ها و بلا تکلیف بودن وضع استخدامی پرستاران شرکی از موضوعات اعتراضات پرستاران است. در این رابطه آنها تجمعات بسیاری داشته و از آغاز سال جدید دور جدیدی از اعتراضات آنها آغاز شده است. از جمله پرستاران در روز گذشته در قم تجمع داشتند. قبل از آن پرستاران در شهرهایی چون تهران، اراک، قزوین، سنندج، مشهد، شیراز، بابل تجمع داشتند.

علاوه بر تعرفه‌های پرستاری یک موضوع دیگر اعتراض بخش بسیاری از پرستاران اخراج‌هاست. بنا بر خبرها در دوره کرونا هفده هزار پرستار اخراج شده‌اند. به گفته حمیدرضا عزیز معاون توسعه و مدیریت منابع سازمان نظام

خیزش‌های مردمی: اطلاعیه شماره ۳۹۲

تجمع کارکنان خدماتی مدارس تهران، ادامه حملات شیمیایی

و دو خبر دیگر

روز ۲۹ فروردین کارکنان خدماتی مدارس تهران در اعتراض به وضعیت بد معیشتی خود در برابر وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند.

در ادامه حملات شیمیایی جنایت‌کارانه حکومت اسلامی امروز ۲۹ فروردین شماری دیگر از مدارس در شهرهایی چون کرج، تهران، کرمانشاه، اردبیل، اسلام‌شهر هدف قرار گرفتند و در نتیجه آن شماری از دانش‌آموزان مسموم و به بیمارستان منتقل شدند. اسامی برخی از این مدارس عبارت‌اند از: کرج مدرسۀ رضوان و مدرسۀ تهذیب، اسلام‌شهر مدرسۀ سایپا، دولت‌آباد کرمانشاه مدرسۀ دخترانه نبوت، اردبیل مدرسۀ دخترانه بهاران و در تهران مدارس ساعد، کوثر، کار و دانش ابرار، شهدای مکه، قیاس، پردیس شریف نازی‌آباد، مدرسۀ دخترانه در خیابان فاطمی غربی و فرهنگسرای خاوران مدرسۀ کار و دانش ابرار. در برابر حملات سراسری به مدارس باید سراسری مقابله کرد و اعتصاب مدارس و تعطیلی آنها و تجمعات و اعتراضات گسترده سراسری پاسخ فوری و اضطراری به این حملات است.

خبر دیگر اینکه امروز جمعی از معلمان و اعضای کانون صنفی معلمان گیلان با خانواده معلم زندانی عزیز قاسم‌زاده دیدار کردند و حمایت خود را از این معلم زندانی ابراز نمودند. عزیز قاسم‌زاده معلم و عضو هیئت‌مدیره کانون صنفی فرهنگیان گیلان همراه با انوش عادل و محمود صدیقی پور (اعضای هیئت‌مدیره کانون گیلان) در روز ۱۹ فروردین با اتهام "تبلیغ علیه نظام" محکوم به یک سال زندان شدند و به زندان لاکان رشت منتقل گردیدند. یک کارزار مهم معلمان آزادی‌همکاران بازداشتی، دستگیرشدگان انقلاب و همه زندانیان سیاسی است.

امروز همچنین شماری از مردم دهلران در اعتراض به ادامه بازداشت ۴ نفر از اهالی این شهر به اسامی عظیم یادگاری، حسین بایروند، فرشاد آیینی و سعدالله آیینی که از ۲۷ فروردین در زندان ایلام در اعتصاب‌غذا به سر می‌برند تجمع کردند و خواستار آزادی فوری و بدون قیدوشرط آنها شدند. در طول انقلاب شماری بسیاری از مردم دستگیر شده و در زندان هستند. تجمعات مقابل زندان‌ها یک گام مهم برای آزادی دستگیرشدگان انقلاب و همه زندانیان سیاسی است. این تجمعات باید در تمام شهرها در مقابل زندان‌ها شکل گیرد.

گفتنی است که عثمان اسماعیلی از فعالین کارگری شناخته شده در سقز بعد از هفتاد روز بازداشت با قرار وثیقه یک میلیاردتومانی موقتاً و تا زمان "پایان مراحل دادرسی" از زندان سقز آزاد شد. آزادی عثمان اسماعیلی را به وی، به خانواده‌اش و به همگان تبریک می‌گوییم و پرونده امنیتی برای او باید دور انداخته شود.

آخرین خبر گزارش تکمیلی در مورد تجمعات بازنشستگان مخابرات در روز گذشته است. در این روز بازنشستگان مخابرات در شهرهایی چون کرمانشاه، اهواز، کرج، تهران، اردبیل، گلستان، زنجان، اصفهان، و بجنورد در اعتراض به شرایط بد معیشتی و عدم اجرای خواسته‌هایشان مقابل ستاد مخابرات دست به تجمع زدند و با سردادن شعارهایشان و فریاد "گرانی، تورم، بلای جان مردم" پیگیر مطالباتشان شدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ فروردین ۱۴۰۲، ۱۸ آوریل ۲۰۲۳

پرستاری حکومت در بعضی بیمارستان‌های تهران در شیفت شب، ۳۵ بیمار به ۲ و حداکثر ۳ پرستار سپرده می‌شود! این خبر به‌روشنی از سنگینی کار طاقت‌فرسای پرستاران که خود نیز در معرض انواع بیماری‌های مسری قرار دارند و نیز شرایط اسف‌بار بیمارستان‌ها حکایت می‌کند و این موضوعی است مربوط به همه مردم. از خواست‌ها و مبارزات پرستاران باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ فروردین ۱۴۰۲، ۱۷ آوریل ۲۰۲۳

خیزش‌های مردمی: اطلاعیه شماره ۳۹۱

اعتصابات سراسری مدارس پاسخ حملات شیمیایی حکومت

حملات جنایت‌کارانه شیمیایی به مدارس همچنان ادامه دارد و هر روز شمار بیشتری از مدارس مورد حمله قرار می‌گیرند. این جنایت شنیع و ضدانسانی به خشم و نفرت بیشتر مردم در شهرهای مختلف علیه حکومت کثیف اسلامی دامن زده است. روز گذشته ۲۸ فروردین دانش‌آموزان در مدارس مختلفی در شهرهای سنندج، سقز، بوکان، دیواندره، ارومیه، گیلان‌غرب، تبریز، اردبیل، اصفهان، دزفول، خرم‌آباد، روانسر و ماهدشت کرج هدف این حملات قرار گرفتند و تعدادی از دانش‌آموزان ناچار به بیمارستان منتقل گردیدند. در اهواز در روز گذشته والدین دانش‌آموزان در پی حملات شیمیایی سریالی به مدارس روبروی فرمانداری شهر تجمع کردند. این تجمعات را باید در همه شهرها برپا کرد.

حملات شیمیایی به مدارس باید سراسری و محکم پاسخ گیرد. برای نجات جان کودکان باید همه مردم وسیعاً به میدان بیایند. در این میان معلمان و خانواده‌های دانش‌آموزان نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. بسیار مبرم و ضروری است که در سطح سراسری اعلام اعتصاب کرد و مدارس را تعطیل نمود. باید با تجمعات بزرگ مردمی در برابر مراکز آموزش و پرورش و مراکز حکومتی، نظیر آنچه در شاهین‌شهر شاهدش بودیم، حکومت را در حلقه خشم و اعتراضات گسترده قرار دهیم. باید اعلام کرد که تا وقتی این حملات ادامه یابد مدارس تعطیل خواهد بود و تجمعات اعتراضی با گستردگی ادامه خواهد یافت. می‌توان حکومت منفور اسلامی را با موجی از اعتراض به‌زانو در آورد. این وضعیت مطلقاً قابل قبول نیست.

لیستی از مدارسی که در روز گذشته مورد حملات شیمیایی قرار گرفتند عبارت‌اند از: در بوکان مدارس دخترانه راهنمایی فجر، عصمت و شرف و دبیرستان شاهد، در ارومیه مدارس دخترانه مولانا در شهرک دانشگاه و شاهد در محله آبیاری، در تبریز مدرسۀ دخترانه آسمان، در اردبیل مدرسۀ دخترانه بهار، در اصفهان مدرسۀ دخترانه پارسه، در ماهدشت کرج، ناحیه چهار کرج و دیگر نواحی این شهر هنرستان دخترانه محمدباقر، و مدارس دخترانه متوسطه اول امام جعفر صادق، دبستان دخترانه شهید ملک‌زاده و مدرسۀ رضوان، در دزفول مدرسۀ دخترانه ام‌السلمه، در سقز مدرسۀ دخترانه شهدای غزه، در گیلان‌غرب هنرستان دخترانه اندیشه، راهنمایی دخترانه ۱۷ شهریور، دبیرستان دخترانه عصمت و دبیرستان دخترانه خدیجه کبری، در خرم‌آباد دبیرستان دخترانه بنت‌الهدی، در روانسر مدرسۀ راهنمایی دخترانه فرهنگ.

این جنایت ضدانسانی و ضد مردمی بار دیگر تأکید می‌کند که حکومت اسلامی باید به زیر کشیده شود و سران و دست‌اندرکارانش به محاکمه کشیده شوند. نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ فروردین ۱۴۰۲، ۱۸ آوریل ۲۰۲۳

خیزش‌های مردمی: اطلاعیه شماره ۳۹۳

تجمع پرستاران بیمارستان رجایی، کارگران سایا آذربایجان

و دو خبر دیگر

روز ۳۱ فروردین پرستاران بیمارستان رجایی قزوین در اعتراض به پرداخت اندک و نامشخص تعرفه‌گذاری و سایر مطالبات خود برای چندمین روز تجمع کردند. در این رابطه طی این مدت پرستاران در شهرها مختلف اعتراضاتی داشته‌اند. از جمله در ۲۸ فروردین آنها در پنج استان کشور تجمع داشتند. سطح نازل حقوق‌ها و عدم پرداخت کامل تعرفه‌های پرستاری، فشار سنگین کاری و اضافه‌کاری‌های اجباری، سطح پایین بهداشت در بیمارستان‌ها و اخراج‌ها و بلا تکلیف بودن وضع استخدامی پرستاران شرکتی، از موضوعات اعتراضات پرستاران است.

در این روز همچنین کارگران شرکت قطعه سایا آذربایجان در اعتراض به پایین بودن حقوق و افزایش ناچیز دستمزدها و صعود نجومی نرخ تورم دست به اعتصاب زدند. این کارگران اعلام کرده‌اند که تا رسیدن به نتیجه مطلوب به اعتراض خود ادامه خواهند داد. شرکت سایا در زمینه ساخت قطعات خودرو فعالیت می‌کند. این شرکت با ادغام دو شرکت صانع و صنایع نساجی ایران با تصمیم شرکت مگاموتور در مهرماه سال ۱۳۹۲ ادغام شده و تحت عنوان سایا آذربایجان به فعالیت خود ادامه داده است. تجمع اعتراضی دیگر در این روز از سوی رانندگان کامیون در بندرعباس بود. در این روز این رانندگان با مسدود کردن و گل‌گرفتن درب ورودی شرکت محور طلایی بندرعباس در اعتراض به وضع بد معیشتی خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی اهواز نیز در ادامه اعتراضات خود در اعتراض به حقوق و دریافتی‌های ناچیز و عدم رسیدگی به خواست و مطالباتشان مجدداً در مقابل اداره کل تأمین اجتماعی خوزستان در اهواز دست به تجمع زدند و سپس تا میدان فرهنگ این شهر در سطح خیابان‌ها همراه با سردادن شعار راه‌پیمایی کردند. بازنشستگان شعار می‌دادند: "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "شعارتون عدالته، کارتون دزدی از ملت".

حملات جنایت‌کارانه حکومت به مدارس دخترانه دارد. از جمله روز گذشته دانش‌آموزان در مدارس امت و یحییوی در تهران، نصیری و ابوذر در ارومیه، هنرستان چمران در همدان، پشنتازان در دزفول مورد هدف حملات شیمیایی قرار گرفته و تعدادی از آنها به دلیل مسمومیت به مراکز درمانی انتقال داده شدند. بنا بر گزارش منتشر شده از سوی عفو بین‌المللی به نقل از گزارش پزشکی در ایران وزارت بهداشت پروتکلی برای مراکز درمانی کشور صادر کرده و در آن به کادر پزشکی دستور داده شده که علائمی که دختران دانش‌آموزان در اثر حملات گاز شیمیایی نشان می‌دهند را به "استرس" نسبت دهند. این در حالی است که یک خبرنگار و شمار دیگری از مردم در ایران به دلیل افشاگری و گزارش‌دهی در مورد مسمومیت‌ها مورد بازجویی قرار گرفته‌اند. حملات شیمیایی به مدارس سراسری است و با اعتصابات و اعتراضات متحدانه سراسری باید با آن مقابله کرد. جمهوری اسلامی این حکومت کودک‌کش باید از جامعه جارو شود و سران و دست‌اندرکارانش به جرم جنایات بی‌شمار علیه مردم محاکمه شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ فروردین ۱۴۰۲، ۲۰ آوریل ۲۰۲۳

ما به حمایت شما متکی هستیم!**کمپین یک‌ماهه جمع‌آوری صد هزار دلار کمک مالی**

جهت تأمین بخشی از هزینه‌های فعالیت‌های گسترده خود علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری، حزب کمونیست کارگری کمپینی برای جمع‌آوری صد هزار دلار کمک مالی در مدت یک ماه را اعلام می‌کند. مباحث می‌کنیم که ما همواره به کمک شما مردم شریف و آزادی‌خواه متکی بوده‌ایم. امیدواریم که این بار هم با حمایت شما این مبلغ و حتی بیش از آن را جمع‌آوری کنیم و بتوانیم نقش فعال‌تری در جهت تداوم و پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی ایفا کنیم.

حزب کمونیست کارگری در عرصه‌های بسیار متنوعی در داخل و خارج کشور فعالیت می‌کند. از مدیریت تلویزیون "کانال جدید"، این تریبون همیشه دایر انقلاب زن زندگی آزادی و تکیه‌گاه مبارزات کارگران و معلمان و زنان و جنبش‌های آزادی‌خواه که به طور ۲۴ ساعته بر سه ماهواره پخش می‌شود، تا فعالیت میدانی در کف خیابان شهرهای مختلف ایران؛ از کار مداوم و مؤثر در جنبش کارگری، جنبش رهایی زن، جنبش معلمان، دانشجویان، بازنشستگان، دانش‌آموزان تا ایفای نقش پیشرو و فعال در جنبش علیه اعدام، آزادی زندانیان سیاسی، علیه حجاب اجباری، دفاع از حقوق کودک، جنبش دادخواهی، جنبش پناهندگی و دفاع از حقوق ال.جی.بی.تی.کیوها و غیره؛ از فعالیت‌های گسترده و تعطیل‌ناپذیر در سازماندهی تظاهرات‌ها و اقدامات ضد جمهوری اسلامی در چندین شهر کوچک و بزرگ در خارج کشور تا تلاش‌های گسترده علیه اسلام سیاسی و برای بایکوت جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی، همه جوانب مختلف از فعالیت وسیع حزب کمونیست کارگری است. این فعالیت‌ها بدون حمایت مالی شما مدافعان آزادی و برابری، و شما دوستداران حزب کمونیست کارگری ممکن نبوده است.

ما بار دیگر در کمپین سالانه خود برای جمع‌آوری کمک مالی جهت تأمین بخشی از هزینه فعالیت‌های حزب و گسترش این فعالیت‌ها به شما مردم شریف و آزادی‌خواه، به شما کسانی که خواهان رهایی از شر حکومت مذهبی و ارتجاعی جمهوری اسلامی هستید، به شما دوستداران برابری و رهایی انسان از شر همه مصائب و محرومیت‌ها، به شما که خواهان تحقق بی‌کم‌وکاست "زن زندگی آزادی" هستید روی می‌آوریم. ما امیدواریم که مثل همیشه با حمایت سخاوتمندانه شما مردم شریف و آزاده بتوانیم مبلغ ۱۰۰ هزار دلار را در فرصت یک‌ماهه جمع‌آوری کنیم.

از شما در خارج و داخل کشور دعوت می‌کنیم به این کمپین بیسوندید و فعال آن شوید. هر اندازه که توان مالی شما اجازه می‌دهد به حزب کمونیست کارگری و فعالیت‌های یاری رسانید و دوستان و آشنایانتان را به همراهی با این کمپین و حمایت مالی حزب تشویق کنید.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ آوریل ۲۰۲۳ (۲۵ فروردین ۱۴۰۲)

سرنگون باد حکومت اسلامی!

برای پرداخت کمک‌های خود می‌توانید از طریق شماره حساب‌های زیر
و یا از طریق تماس با تشکیلات‌های حزب اقدام نمایید.

شماره حساب‌ها و تلفن‌های تماس:

سوئد:

Sweden
NordeaPlusgirokonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany
Name: M. Eli
Bankverbindung: Postbank
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

Bank: NatWest
Account holder: WPI
Account number: 45477981
Sort code: 60-24-23
IBAN: GB77NWBK60242345477981
BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج: سیامک بهاری ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی: بابک یزدی ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

کیوان جاوید: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳



لیست کمک مالی به حزب

لیست شماره یک ۲۰ آوریل ۲۰۲۳

در پاسخ به فراخوان حزب برای جمع‌آوری ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی برای تأمین بخشی از نیازهای مالی حزب در هفته اول معادل ۲۸۶۹۰ دلار جمع‌آوری شد. این کمپین یک‌ماهه است و هر هفته لیست دوستانی که کمک می‌کنند منتشر می‌شود. از تمام عزیزانی که تا کنون به این فراخوان پاسخ داده‌اند صمیمانه قدردانی می‌کنیم. از مخالفین جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور، از همه آنها که قلبشان برای جامعه‌ای آزاد و برابر و خوشبخت می‌تپد و از همه آنها که فعال انقلاب زن زندگی آزادی هستند، دعوت می‌کنیم به حزب کمک کنید. کمک‌های شما، به هر میزان مایه افتخار و اتکای این حزب است.

لیست ۱

سیما بهاری ۱۰۰۰۰ کرون	مجید آذری ۱۰۰۰ دلار آمریکا
عباس ماندگار ۱۰۰۰ دلار کانادا	مینا بهروزی ۵۰۰ دلار کانادا
عبدل گلپریان ۲۰۰ یورو	رضا سلاری ۳۰۰ دلار کانادا
بابک یزدی ۲۰۰۰ دلار کانادا	خسرو شمیرانی ۱۰۰ دلار کانادا
شهاب بهرامی ۳۰۰۰ کرون	رامتین قوامی ۲۰ دلار آمریکا
جلیل جلیلی ۵۰۰ پوند	کیارش کی ۱۵۰۰ دلار کانادا
بهرام سروش ۱۰۰۰ پوند	کایسا ۲۴۰۰ کرون
میترا دانشی و حمید تقوایی ۲۰۰۰ دلار کانادا	آذر مقدم ۵۰۰ کرون
سیاوش مدرسی ۵۰۰ پوند	کاوه نیکنام ۱۰۰ یورو
کیا صبری ۱۰۰۰ دلار کانادا	مهدی ۴۰ دلار آمریکا
رحیم یزدان‌پرست ۱۰۰۰ کرون	کمالی ۱۰۰ دلار آمریکا
امید صالحی ۵۰۰۰ کرون	علا فرهادپور ۱۵۰ دلار آمریکا
اسماعیل مردوخ ۲۰۰۰ کرون	حمید مکوندی ۱۰۰ دلار آمریکا
سوسن صابری ۲۰۰۰ کرون	عباس ایاغ ۱۵۰ دلار آمریکا
شهین و سهیل اسفندیاری ۳۰۰۰ کرون	کیومرث کرمانشاه ۲۰۰ دلار آمریکا
میلاد رسایی منش ۵۰۰۰ کرون	شجاع از تگزاس ۱۵۰ دلار آمریکا
امیر توکلی ۵۰۰ یورو	صادق احمدی ۱۰۰ دلار آمریکا
آزاده نجاد ۱۰۰ دلار کانادا	ستار نوری زاد ۱۵۰ دلار آمریکا
جمیل فرزاد ۳۰۰۰ کرون	مجید حمیدیان ۱۰۰۰ کرون
امیر زاهدی ۵۰۰ دلار کانادا	نسرین الماسی و حسن زرهی ۱۵۰ دلار کانادا
سروش میرقاسمی ۱۵۰ دلار کانادا	مهردخت هادی ۵۰ دلار کانادا
واحد فرانکفورت ۳۶۰۰ یورو	سهیلا میلانی ۲۰۰ دلار کانادا
حسن صالحی ۱۰۰۰۰ کرون	کمپته کردستان حزب کمک به کانال جدید ۵۰۰ دلار آمریکا
هرمزها ۱۰۰۰ کرون	امیر ماهان ۱۰۰ دلار کانادا
پری جاویدان ۲۰۰ دلار کانادا	
مسعود آذرنوش ۵۰۰ دلار کانادا	
محمد کریمی ۵۰۰ یورو	
سارا نخعی ۱۰۰۰ کرون	
ایرج آبشار ۱۰۰۰ دلار کانادا	
پتی دبویتاس و کیوان جاوید ۳۶۰۰ پوند	
صدف کورش نیا ۱۰۰۰ دلار کانادا	

از ایران:

ارغوان ۱ میلیون تومان

نوژین ۱ میلیون تومان

شهاب ۲۵۰۰ دلار کانادا

رضا از کردستان ۱۲ میلیون تومان

جمع معادل ۳۰۷۳۰ دلار آمریکا

نابود باد حکومت اسلامی!



رژیم آپارتاید جنسی در ایران،
مانند رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای
جنوبی، باید از جامعه جهانی اخراج شود!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

The gender apartheid regime in Iran, like the racial apartheid regime in South Africa, must be expelled from the international community!

**DOWN WITH
THE ISLAMIC REGIME OF IRAN!**

حکومت ضد زن
نمیخواهیم

جمهوری اسلامی، مرگت فرارسیده



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: سروناز سینایی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر میشود

<https://www.facebook.com/wpiran>

تلگرام: https://t.me/wpi_hkki

<https://www.wpiran.org/>

<https://www.instagram.com/wpi91>

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpiran.org

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:



newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com